

۴ کافه

قدرت ادبیات
جستاری از بختیار علی

۷ سلامت

فرار بیمه‌ها از پرداخت هزینه درمان
فرزانه ترکان

۷ قضایی

تراستی‌ها را رها نمی‌کنیم
غلامحسین محسنی‌اذهای

سفیر نجات تفاهم

همزمان با اعمال تحریم‌های اقتصادی جدید آمریکا علیه ایران

عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به همراه محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان به ایران سفر کرد تا در آخرین رایزنی‌ها با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و محمدباقر قالیباف، رئیس تیم مذاکره‌کننده بتوانند تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را از بن‌بست خارج کنند



ابوالفضل خدایی



گروه بین‌الملل

ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به همراه محسن نقوی، وزیر این کشور، در چارچوب تلاش‌های اسلام‌آباد برای ارتقای صلح و ثبات منطقه‌ای وارد تهران شد؛ سفری که در یکی از حساس‌ترین مقاطع رویارویی ایران و آمریکا انجام می‌شود و از همان ابتدا نشانه‌هایی از یک مأموریت فراتر از یک سفر معمول دیپلماتیک دارد. «اسکندر مومنی»، وزیر کشور ایران، از دو مقام پاکستانی استقبال کرد. در ادامه عاصم منیر با قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار کرد. قالیباف در این دیدار گفت: ما پیگیر اجرای شروط یادداشت تفاهم هستیم و این آمریکاست که باید به تعهداتش براساس تفاهم‌نامه پایبند باشد. قالیباف پس از این دیدار در پستی در ایکس در واکنش به تحریم‌های آمریکا هشدار داد: کسی گنده‌لافی‌های آمریکایی‌ها را باور نمی‌کند. شرکای تجاری ایران به ما اعلام کرده‌اند که اظهارات آمریکا را به هیچ جا حساب نمی‌کنند.

| ادامه در صفحه ۳



معاون اشتباهی!

چرا معاونت پارلمانی رئیس‌جمهور برخلاف نظر دولت به طرح مقابله با نفوذ در مجلس رأی مثبت داده است؟

۲ ایران



سرمقاله

مذاکره در جهان چندلایه

سرنوشت توافق در گرو موازنه منافع قدرت‌های جهانی است

علی هاشمی

قائم مقام دبیرکل
حزب کارگران سازندگی ایران

در حال حاضر، روند مذاکرات میان ایران و آمریکا را نمی‌توان جدا از تحولات ساختار نظام بین‌الملل تحلیل کرد. جهان امروز دیگر یک نظام تک‌قطبی با محوریت آمریکا نیست بلکه به سمت یک نظم چندلایه و تا حدی چندقطبی حرکت کرده است؛ نظامی که در آن قدرت‌ها نه تنها با هم رقابت می‌کنند بلکه در بسیاری از موارد، منافع متقاطع و غیرقابل تفکیک دارند. در چنین ساختاری هر بحران منطقه‌ای به سرعت به یک مسئله جهانی تبدیل می‌شود. بازار انرژی، امنیت غذایی، زنجیره تأمین صنعتی و حتی سیاست داخلی کشورهای دور از منطقه درگیر همگی از این تحولات تأثیر می‌پذیرند. این وضعیت باعث شده که بازیگران مختلف، از جمله قدرت‌های اروپایی و آسیایی، نگاه‌های متفاوتی به یک بحران واحد داشته باشند و این ناهمگونی منافع، رسیدن به اجماع بین‌المللی را دشوار کرده است. به همین دلیل، حتی کشورهایی که در ظاهر از مذاکره و پایان بحران حمایت می‌کنند، الزاماً از یک توافق سریع و پایدار منفعت یکسانی نمی‌برند. در این میان نقش اروپا نیز پیچیده شده است. اروپا از یک‌سو به ثبات انرژی نیاز دارد و از سوی دیگر، در بسیاری از موارد، تابع سیاست‌های امنیتی آمریکا باقی مانده است. این دوگانگی باعث شده، اغلب سیاست خارجی اروپا در قبال بحران‌های منطقه‌ای، اغلب واکنشی و نه راهبردی باشد. هرگونه اختلال در مسیر انرژی و تجارت به‌خصوص در شرایطی که اروپا همزمان با محدودیت‌های ناشی از جنگ اوکراین دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌تواند مستقیماً بر اقتصاد و حتی رضایت عمومی از دولت‌های اروپایی اثر بگذارد. در سوی دیگر، قدرت‌های شرقی مانند چین و روسیه نیز هر کدام براساس منطق متفاوتی عمل می‌کنند و به‌نظر می‌رسد برای این کشورها، مدیریت بحران به گونه‌ای که منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی آنها حفظ شود، اهمیت زیادی دارد. افزایش قیمت انرژی، می‌تواند برای صادرکنندگان نفت مزیت ایجاد کند و استمرار بحران نیز ممکن است، توجه جهانی را از دیگر پرونده‌های ژئوپلیتیکی منحرف کند. بنابراین نمی‌توان رفتار قدرت‌های بزرگ را صرفاً با دوگانه جنگ و صلح توضیح داد؛ هر بازیگر، هزینه و فایده بحران را از زاویه منافع خود محاسبه می‌کند. این وضعیت باعث شده که بحران‌های منطقه‌ای به جای حل شدن، اغلب در سطحی «مدیریت شده» باقی بمانند. یعنی نه به سمت حل کامل پیش می‌روند و نه به سمت انفجار کامل. این تعادل ناپایدار فضای مذاکرات را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در مورد ایران و آمریکا این پیچیدگی با سابقه طولانی بی‌اعتمادی دو طرف تشدید می‌شود. تجربه توافقی‌هایی که با تغییر دولت‌ها یا محاسبات سیاسی در آمریکا دچار مشکل شده‌اند، باعث شده اصل «عمل در برابر عمل» و «گام در برابر گام» به یکی از مهم‌ترین مسائل در هر مذاکره احتمالی تبدیل شود. وقتی دو طرف به یکدیگر اعتماد ندارند، حتی توافقی بر سر یک فرمول ساده نیز نیازمند سازوکارهای پیچیده برای راستی‌آزمایی و تضمین است. از سوی دیگر، در شرایط کنونی برخی مسائل فوری‌تر از پرونده‌های قدیمی بر میز مذاکره قرار گرفته‌اند. تنگه هرمز و محدودیت‌های دریایی به دلیل تأثیر مستقیم بر بازار انرژی و تجارت جهانی، نمونه روشنی از همین مسائل است. این موضوع نشان می‌دهد که بحران ایران و آمریکا صرفاً یک اختلاف سیاسی یا هسته‌ای نیست؛ بلکه می‌تواند بر اقتصاد جهانی اثر بگذارد و به مسئله‌ای تبدیل شود که دولت‌های مختلف ناچارند برای آن راه‌حل پیدا کنند. در چنین چارچوبی، ایران و آمریکا دیگر تنها بازیگران اصلی نیستند بلکه بخشی از یک شبکه پیچیده از بازیگران منطقه‌ای و جهانی هستند که هر کدام توانایی اثرگذاری بر روند مذاکرات را دارند. از این منظر، مذاکره ایران و آمریکا دیگر صرفاً تلاش برای رسیدن به یک توافق دوجانبه نیست؛ محکی است برای سنجش اینکه آیا تهران و واشنگتن می‌توانند در جهانی که هیچ قدرتی به‌تنهایی تعیین‌کننده آن نیست، میان بی‌اعتمادی تاریخی و منافع متضاد بازیگران متعدد، راهی برای تفاهم پیدا کنند.

دولت

شوراها در انتظار تعیین تکلیف

وزیر کشور: آماده برگزاری انتخابات تمام الکترونیک هستیم



گروه سیاسی: در شرایطی که ادامه فعالیت شورا‌های اسلامی شهر و روستا پس از پایان دوره ششم، محل بحث و اعتراض برخی جریان‌ها و فعالان سیاسی قرار گرفته است، وزیر کشور از آمادگی کامل وزارت کشور برای برگزاری انتخابات شوراها به‌صورت تمام‌الکترونیک خبر داد و تأکید کرد که با اعلام زمان قانونی، فرآیند برگزاری انتخابات بدون وقفه آغاز خواهد شد.

اسکندر مومنی، در پیامی به مناسبت هفته دولت، با اشاره به آمادگی وزارت کشور برای برگزاری انتخابات گفت: «آمادگی کامل در مجموعه وزارت کشور وجود داشته و دارد تا به محض اعلام قانونی زمان، فرآیند برگزاری انتخابات را به‌صورت تمام‌الکترونیک اجرا کند».

این اظهارات وزیر کشور در شرایطی مطرح شده که وضعیت انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و زمان آغاز به‌کار دوره هفتم طی ماه‌های اخیر با تغییراتی همراه بوده است. دوره ششم شوراهای اسلامی شهر و روستا که پیش از این برای ۱۰ ماه تمدید شده بود، در نهایت ۲۷ خرداد ۱۴۰۵ به پایان رسید و قرار بود، دوره هفتم از ۲۸ خرداد آغاز شود. با این حال شرایط جنگی کشور موجب تغییر در این روند شد و مصوبه‌ای برای تداوم فعالیت شوراها و شهرداری‌ها تا ۶۰ روز پس از پایان جنگ ابلاغ شد.

ادامه فعالیت شوراها پس از پایان دوره قانونی در هفته‌های اخیر با واکنش و اعتراض‌هایی نیز همراه بوده است؛ منتقدان درباره تداوم فعالیت شوراهایی که دوره قانونی آنها به پایان رسیده همچنین زمان برگزاری انتخابات جدید، پرسش‌ها و ابهام‌هایی را مطرح کرده‌اند. در مقابل، تداوم فعالیت شوراها و شهرداری‌ها براساس مصوبه مربوط به شرایط جنگی دنبال شده است. به این ترتیب تعیین‌تکلیف زمان انتخابات و آغاز به کار دوره جدید شوراها پیش از گذشته به تصمیم قانونی درباره زمان برگزاری انتخابات گره خورده است. وزیر کشور همچنین در پیام خود از برگزاری نشست‌های تخصصی با احزاب و گروه‌های سیاسی خبر داد و گفت، احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی با احساس مسئولیت ملی پای کار ایران ایستادند و نشست‌های تخصصی متعددی، به‌ویژه با حضور رئیس‌جمهور، با فعالان سیاسی برگزار شد. به گفته مومنی، تقویت وفاق ملی، گفت‌وگو با فعالان سیاسی و بسیج ظرفیت محلات برای حل مسائل محلی از محورهای اصلی اقدامات وزارت کشور بوده است؛ موضوعی که با توجه به جایگاه شوراها در مدیریت مسائل محلی، ارتباط مستقیمی با انتخابات پیش‌رو دارد.

مومنی در بخش دیگری از پیام خود با اشاره به شرایط جنگی و تحولات امنیتی اخیر، اظهار کرد که وزارت کشور با پیش‌بینی و ابلاغ دستورالعمل‌های لازم به استانداران به‌صورت شبانه‌روزی در کنار مردم حضور داشت. به گفته وزیر کشور، حضور میدانی دولت و استانداران در شرایط دشوار سبب استمرار خدمت‌رسانی شد. او استانداران را «کابینه دوم دولت» توصیف کرد و گفت، تفویض اختیارات به استان‌ها سرعت تصمیم‌گیری و حل مسائل را افزایش داده است.

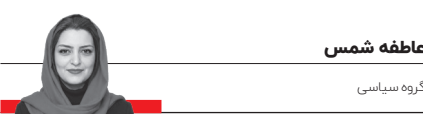
وزیر کشور در بخش دیگری از پیام خود به حوزه امنیت داخلی پرداخت و گفت، جلسات مستمر شورای امنیت کشور و اتخاذ تصمیمات به‌موقع در حفظ آرامش و امنیت پایدار نقش داشته است. مومنی همچنین تأکید کرد که در این مدت، تأمین کالاهای اساسی مردم با مشکل مواجه نشد و روند اجرای طرح‌های عمرانی، توسعه‌ای و پروژه‌های زیربنایی استان‌ها نیز متوقف نشد. در حوزه اجتماعی نیز وزیر کشور از رصد مستمر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و ارائه هشدارهای قانونی به افراد و کانون‌هایی که به گفته او عامدانه یا سهواً به انسجام و همبستگی ملی آسیب می‌زنند، خبر داد. وزیر کشور در پایان تأکید کرد که وزارت کشور از مرکز تا مرزهای کشور، خود را «خادم بی‌منت مردم» می‌داند و تلاش خواهد کرد با محوریت وفاق ملی، استفاده از ظرفیت‌های داخلی، هم‌افزایی استان‌ها و توسعه دیپلماسی با کشورهای همسایه، خدمت‌رسانی و رفاه مردم را تا پایان مسیر دنبال کند.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

معاون اشتباهی!

چرا معاونت پارلمانی رئیس‌جمهور، برخلاف نظر دولت به طرح مقابله با نفوذ در مجلس رأی مثبت داده است؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

هیأت دولت در جلسه روز گذشته خود با «طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه» مخالفت کرد. طرحی که حالا به یکی از تازه‌ترین نقاط اصطکاک دولت و مجلس تبدیل شده اما در کمال تعجب نماینده دولت در مجلس نه تنها به این طرح رأی مثبت داده بلکه در دفاع از آن صحبت کرده است.

این ادعا را میثم ظهوریان، نماینده مجلس، طی روزهای اخیر در شبکه اجتماعی ایکس مطرح و در واکنش به ادعای مخالفت دولت با طرح، به نحوه اعلام موضع دولت در مجلس اشاره کرد و نوشت: «منطقاً نظر دولت در مورد هر طرح با لایحه به صورت رسمی از پشت تریبون مجلس و توسط معاونت پارلمانی اعلام می‌شود و نه در توئیتر».

ظهوریان سپس مدعی شده است که «نماینده دولت (معاونت پارلمانی) نیز در جلسه رأی‌گیری کلیات نه تنها نظر دولت را به طرح مثبت اعلام کرد که چند دقیقه‌ای نیز در دفاع از آن نطق نمود!»

البته ظهوریان مشخص نکرده که محسن اسماعیلی، معاون راهبردی و امور مجلس رئیس‌جمهور شخصا در جلسه حضور داشته یا نماینده او این موضع را منتقل کرده است. با این حال، این ادعا اگر درست باشد، یک تناقض جدی را پیش روی دولت قرار می‌دهد؛ از یک سو هیأت‌وزیران به طرح ایراد گرفته، معاون حقوقی رئیس‌جمهور آن را از منظر قانون اساسی و حقوق شهروندی محل اشکال دانسته و معاون اول رئیس‌جمهور نسبت به آثار آن بر دانشگاه و علم هشدار داده است؛ از سوی دیگر، نماینده دولت در صحن مجلس، بنا بر روایت یک نماینده، هنگام رأی‌گیری کلیات نه‌تنها با طرح مخالفت نکرده بلکه از آن دفاع کرده است. نکته قابل توجه در اینجا اختلاف در روایت دولت از خودش است. اگر موضع رسمی دولت همان مخالفتی است که عارف و انصاری اعلام کرده‌اند، چرا نماینده دولت در صحن مجلس، روایت دیگری ارائه کرده است؟

لازم به یادآوری است که هیأت‌وزیران در بررسی گزارش کمیسیون امنیت ملی مجلس به طرح ایراد گرفته و نسبت به پیامدهای آن هشدار داده است. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور نیز روز گذشته در جلسه ستاد ویژه توسعه فناوری بدون تعارف از طرح انتقاد کرد و آن را «به ضرر فعالیت علمی کشور» دانست. همچنین مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهور گفته که برخی مفاد طرح با اصول قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های شهروندان تعارض دارد؛ از محدود شدن آزادی بیان و فعالیت‌های فرهنگی و هنری گرفته تا ارتباطات علمی و دانشگاهی با خارج از کشور و برخی فعالیت‌های اقتصادی.

سیاست

بازگشت مسئله حجاب

از مجلس و کارزارهای اینترنتی، تا هشدار دولت و رسانه‌ها

گروه سیاسی: بحث حجاب، دوباره از حاشیه به متن آمده؛ آن هم در روزهایی که کشور هنوز درگیر تبعات جنگ است، فشارهای اقتصادی و معیشتی بیشتر شده و دولت و مجلس با فهرستی از مسائل و بحران‌های حل نشده رویه‌رو هستند. با این حال طی چند روز گذشته، موضوع پوشش باردیگر از تریبون مجلس و خطبه‌های نماز جمعه گرفته تا صفحات روزنامه‌ها و کارزارهای اینترنتی، داغ شده است؛ انگار یکی از قدیمی‌ترین مناقشه‌های اجتماعی ایران بار دیگر قرار است به مسئله اصلی سیاست تبدیل شود.

در روزهای اخیر هم‌زمان با افزایش مطالبه برخی جریان‌ها برای اجرای جدی‌تر قانون عفاف و حجاب، کارزارهایی هم برای به جریان افتادن این قانون شکل گرفته است؛ از درخواست برای قرار گرفتن اجرای قانون در دستورکار دولت تا مطالبه «اجرای قاطع» آن و برخورد با آنچه تساهل در این زمینه خوانده می‌شود. در مجلس نیز بحث حجاب دوباره به‌موضوع اختلاف‌نظر تبدیل شده است؛ آن هم درباره قانونی که پس از سال‌ها رفت‌وآمد میان مجلس و شورای نگهبان به تصویب رسید اما در نهایت با تصمیم شورای‌عالی امنیت ملی، ابلاغ و اجرای آن متوقف ماند.

عارف حتی خبر داد که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، قول داده است طرح را از دستورکار خارج کند. اگر این اتفاق هم نیفتد، به گفته او، دولت باید از مسیر رایزنی با نهادهای دیگر، از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای حل مسئله وارد شود. هشدار معاون اول کم‌اهمیت نبود: «اگر این طرح با همین سبک و سیاق تصویب شود، ضربه‌ای مهلک‌تر از قانون سال ۱۴۰۲ به بخش علم و فناوری کشور وارد خواهد شد».

طرحی که دامنه‌اش محل مناقشه است

کلیات طرح «مقابله با نفوذ» یکشنبه ۲۵ مردادماه در مجلس تصویب شد. اما از همان ابتدا انتقاداتی از سوی افکار عمومی، دولت، چهره‌های سیاسی و رسانه‌ها متوجه آن شد. در یک سوی این ماجرا مجلس قرار دارد که در



فضای پساجنگ، مقابله با نفوذ بیگانگان را به یک اولویت امنیتی تبدیل کرده و کلیات طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه» را با ۱۸۳ رأی به تصویب رسانده است و در سوی دیگر، دولت که ایستاده و هشدار می‌دهد که این طرح، اگر با همین ادبیات و دامنه تصویب شود، می‌تواند دانشگاه، علم، ارتباطات بین‌المللی و حتی حقوق شهروندی را تحت‌فشار قرار دهد. فارغ از این دوگانگی، خود طرح نیز به دلیل گستره مفادش محل بحث شده است. مسئله منتقدان این نیست که چرا مجلس به دنبال مقابله با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه یا شبکه‌های نفوذ است؛ اختلاف بر سر این است که قانون تا کجا می‌تواند دامنه «نفوذ» را گسترش دهد، بدون آنکه ارتباطات عادی و مشروع شهروندان، دانشگاهیان، رسانه‌ها و فعالان اقتصادی را نیز در معرض اتهام قرار دهد.

موضع معاونت راهبردی و امور مجلس

در هر صورت، در میانه ادعای ظهوریان، نام محسن اسماعیلی و موضع‌اش بیش از هر چیز به چشم می‌آید. او از فروردین ۱۴۰۴ با حکم مسعود پزشکیان، معاون راهبردی و امور مجلس رئیس‌جمهور است؛ یعنی درست در جایگاهی که دو حوزه «راهبردی» و «مجلس» را به هم متصل می‌کند. در حکم انتصاب او نیز بر «تعامل مؤثر و سازنده با مجلس شورای اسلامی» و تنظیم و ارتقای روابط قوای مجریه و مقننه تأکید شده است.

بنابراین، در پرونده‌ای که یک طرف آن دولت و طرف دیگر مجلس است، طبیعی است که نام معاون راهبردی و امور مجلس دولت وسط بیاید. به‌خصوص وقتی معاون اول رئیس‌جمهور از رایزنی با قالیباف خبر می‌دهد و احتمال ورود مجمع تشخیص به مسئله را مطرح می‌کند. اما حالا برخلاف تصویری که از مخالفت دولت در اظهارات عارف و انصاری ساخته شده، نام اسماعیلی در روایت ظهوریان با دفاع از طرح گره خورده است.

اسماعیلی البته چهره‌ای تازه‌وارد به ساختار قدرت نیست. او حقوق‌دان، استاد دانشگاه تهران، عضو سابق شورای نگهبان، عضو پیشین مجلس خبرگان و رئیس هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین بوده است. مهم‌تر از همه برای بحث امروز، پیش از ورود به دولت چهاردهم، در مجلس یازدهم با حکم محمدباقر قالیباف به‌عنوان مشاور عالی رئیس مجلس و رئیس هیأت تطبیق مصوبات دولت با قوانین فعالیت می‌کرد. قالیباف نیز در همان مقطع از ادامه مسئولیت اسماعیلی در این هیأت تقدیر کرده بود. سابقه‌ای که باعث شده برخی رسانه‌ها و تحلیلگران سیاسی او را به اردوگاه قالیباف نزدیک بدانند. حتی هنگام مطرح شدن نام او برای دولت پزشکیان، برخی تحلیل‌ها این انتصاب را نوعی ادامه ارتباط دولت با حلقه نزدیک به قالیباف تفسیر کردند.

از طرف دیگر، اسماعیلی را نمی‌توان به‌سادگی در قالب یک چهره جناحی کلاسیک تعریف کرد. سابقه حقوقی و حضور طولانی‌مدت او در شورای نگهبان، مجلس خبرگان و ساختارهای حقوقی جمهوری اسلامی، دامنه ارتباطات او را فراتر از یک جریان انتخاباتی خاص قرار می‌دهد. او از چهره‌های برخاسته از ساختار حقوقی – حاکمیتی است که در مقاطع مختلف با مراکز متفاوت قدرت کار کرده است. پزشکیان نیز اسماعیلی را برای ترکیب دو حوزه راهبردی و امور مجلس انتخاب کرد؛ ترکیبی که از یک طرف جای خالی محمدجواد ظریف در معاونت راهبردی و از طرف دیگر جایگاه خالی معاونت پارلمانی پس از شهرام دبیری را پوشش داد. البته از نظر ساختار اداری، اسماعیلی، جانشین ظریف به معنای تداوم کامل مسیر سیاسی و فکری او نیست؛ مسئولیت او ترکیبی متفاوت دارد. بنابراین شاید انتصاب او در دولت پزشکیان را بتوان در چارچوب سیاست «وفاق» دید.

اما تردید درباره زمان و شیوه طرح دوباره مسئله حجاب فقط به دولت محدود نمی‌شود و رسانه‌ها نیز به این موضوع واکنش نشان داده‌اند. روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله‌ای با کنار هم گذاشتن «بنزین» و «حجاب» هشدار داده که طرح مسائل تنش‌زا در شرایط جنگی می‌تواند، نتیجه‌ای معکوس داشته باشد. این روزنامه نوشته است، کشور در وضعیت «هم جنگ و هم صلح» قرار دارد و طرح موضوعاتی که حتی در شرایط عادی می‌تواند تنش ایجاد کند، در چنین فضایی ممکن است «آتش شری» به پا کند. در مقابل اما جریان مدافع اجرای سختگیرانه هم عقب ننشسته است. روزنامه کیهان در همین روزها در برابر این استدلال که مشکلات اقتصادی اولویت بیشتری دارند، موضع گرفت و نوشت، نمی‌توان «به اسم معیشت» نسبت به حجاب و عفاف بی‌تفاوت بود.

به این ترتیب، حجاب بار دیگر به نقطه تلاقی چند مسئله تبدیل شده است؛ از قانون و دین گرفته تا سبک زندگی، شکاف‌های اجتماعی، امنیت و حتی اولویت‌های حکمرانی. یک‌سو معتقد است، عقب‌نشینی از اجرای قانون به‌معنای کنار گذاشتن یک حکم شرعی و قانونی است و سوی دیگر هشدار می‌دهد، در شرایطی که جامعه هم‌زمان با بحران‌های اقتصادی، امنیتی و اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند، باز کردن دوباره پرونده حجاب نه‌تنها گری از مشکلات باز نمی‌کند بلکه می‌تواند به مناقشه‌ای تازه دامن بزند و شکاف‌های موجود را عمیق‌تر کند.

چشم‌انداز ۲۰۳۰

بن سلمان در فرانسه دنبال چه بود؟

گروه بین‌الملل: سفر رسمی و پررنگ دو روزه محمد بن سلمان، ولیعهد و نخست‌وزیر عربستان سعودی به فرانسه، نشانه‌ای از تعمیق روابط اقتصادی، راهبردی و فرهنگی میان پاریس و ریاض است؛ سفری که به دعوت امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و پس از سفر او به ریاض انجام شد و نشان داد، فرانسه توانسته جایگاه خود را به‌عنوان یکی از شرکای اصلی اروپایی عربستان در مسیر اجرای برنامه بلندپروازانه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» تثبیت کند.

آغاز این سفر نیز شکلی غیرمتعارف داشت. محمد بن سلمان در مراسم اختتامیه «جام جهانی ورزش‌های الکترونیکی» در پاریس حضور یافت؛ رویدادی بین‌المللی در حوزه بازی‌های رایانه‌ای که با حمایت گسترده ولیعهد عربستان برگزار می‌شود و برای نخستین‌بار خارج از خاک این کشور میزبانی شد. این مسابقات ابتدا قرار بود در عربستان برگزار شود اما به دلیل جنگ در خاورمیانه به فرانسه منتقل شد. برگزاری آن در پاریس نمادی از پیوند سرگرمی مدرن، قدرت نرم و دیپلماسی مبتنی بر نسل جوان بود؛ حوزه‌ای که به‌تدریج به یکی از ارکان روابط فرانسه و عربستان تبدیل شده است.

مکرون در شبکه ایکس سفر محمد بن سلمان را «گامی مهم» خواند و تأکید کرد، فرانسه و عربستان در مواجهه با چالش‌های منطقه خواستار صلح و ثبات هستند. او همچنین گفت، مشارکت دو کشور

ادامه تیتیر یک

سفير نجات تفاهم

این سفر از آنجایی حائز اهمیت است که عاصم منیر پیش از سفر به تهران با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، گفت‌وگو کرده است؛ موضوعی که نقش او را به‌عنوان میانجی در مذاکرات حساس میان واشنگتن و تهران برجسته می‌کند. این تلاش‌ها در ادامه میانجیگری‌های پاکستان و کشورهای منطقه است که در ۲۸ خردادماه به تفاهمی میان طرف‌ها منجر شد؛ تفاهمی که به دلیل تنش‌ها در تگه هرمز خیلی زود از مسیر اجرا خارج شد. طرفین یکدیگر را به نقض آتش‌بس متهم کردند و محاصره دریایی علیه ایران بار دیگر برقرار شد هرچند بنا بر تأیید دو طرف، تبادل پیام از طریق میانجی‌ها ادامه داشته است.

چرا اهمیت دارد؟

سفر عاصم منیر در نقطه تلاقی چند بحران قرار گرفته است؛ برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های آمریکا، تنگه هرمز و احتمال تشدید رویارویی نظامی و اقتصادی. اهمیت مأموریت پاکستان از آنجا بیشتر می‌شود که این سفر تنها چند روز پس از امضای «توافق دفاعی مشترک مکه» میان پاکستان، ترکیه و عربستان سعودی در هفتم آگوست انجام شده است. این پیمان دفاع متقابل که حمله به یک عضو را حمله به همه اعضا تلقی می‌کند برای اسلام‌آباد با توجه به روابط دیرینه همسایگی با ایران پیچیدگی راهبردی ایجاد کرده است. همزمان واشنگتن خود را برای اقدامات جدید و تهاجمی اقتصادی و تحریمی علیه ایران آماده می‌کند و مقام‌های ایرانی نیز درباره اقدامات تلافی‌جویانه و ایجاد اختلال در انتقال نفت از تنگه هرمز هشدار داده‌اند. بنابراین منطقه بار دیگر به مرحله‌ای خطرناک نزدیک شده که شکست دیپلماسی می‌تواند، پیامدهایی فراتر از روابط تهران و واشنگتن داشته باشد.

زمینه موضوع چیست؟

تفاهنامه اسلام‌آباد فرصتی ۶۰ روزه در اختیار ایران و آمریکا قرار داده بود تا برای رسیدن به توافقی جامع درباره برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌های آمریکا مذاکره کنند. اما این مسیر از ریل خود خارج شده و می‌توان با ابتکار عمل طرف‌ها به نقطه اشتراکی دست یافت. از همین‌رو می‌توان گفت، تفاهنامه در وضعیت کما قرار دارد و به فروپاشی کامل و پایان قطعی نرسیده است و همچنان امکان احیا و بازگرداندن آن وجود دارد. اکنون با تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا و هشدارهای تهران درباره هرمز، همان چارچوب نیمه‌جان، می‌تواند بار دیگر به مرکز تلاش‌های دیپلماتیک تبدیل شود.

چه کسانی درگیرند؟

در مرکز این تلاش، پاکستان قرار دارد؛ کشوری که می‌خواهد از نفوذ خود برای ایجاد پل میان تهران و واشنگتن استفاده کند. سفر منیر پس از مجموعه‌ای از ارتباطات محرمانه و پشت پرده با

از طریق پروژه‌های بزرگ، فناوری‌های پیشرفته، سرمایه‌گذاری‌ها و رویدادهای بین‌المللی مانند EWC در پاریس شکل می‌گیرد و دو طرف می‌توانند، همکاری‌های خود را بیش از پیش گسترش دهند. با این حال محور اصلی سفر فراتر از برنامه‌های فرهنگی بود. مکرون و محمد بن سلمان در کاخ الیزه نخستین نشست «شورای مشارکت راهبردی فرانسه و عربستان سعودی» را برگزار کردند؛ چارچوبی رسمی برای هماهنگی نزدیک‌تر دو کشور در برابر نگرانی‌های امنیتی منطقه. در شرایط بی‌ثباتی گسترده خاورمیانه و فشارهای ناشی از درگیری آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران، دو طرف بسر تلاش‌های دیپلماتیک برای تقویت ثبات منطقه، تضمین امنیت کشتیرانی و نزدیک کردن دیدگاه‌های امنیتی کشورهای غربی و خلیج فارس تمرکز کردند. امنیت صادرات انرژی نیز در این گفت‌وگوها اهمیت داشت. فرانسه و عربستان درباره افزایش ظرفیت خطوط لوله انتقال نفت عربستان به دریای سرخ و ایجاد مسیرهای تازه دریایی و زمینی برای اتصال خلیج فارس به اروپا رایزنی کردند. تداوم اختلال در تگه هرمز برای ریاض مستقیماً با امنیت صادرات انرژی و برنامه‌های اقتصادی این کشور ارتباط دارد؛ به‌ویژه آنکه بخش قابل‌توجهی از نفت عربستان همچنان از مسیر خلیج فارس صادر می‌شود. در حوزه اقتصادی، سفر ولیعهد به بستری برای

مقام‌های آمریکایی، ازجمله گفت‌وگوی گزارش شده با ترامپ، انجام شده است. واشنگتن پیش از گذشته به اسلام‌آباد متوسل شده تا پاکستان، تهران را به بازگشت به مذاکرات متقاعد کند؛ به‌جای آنکه ایران به سمت انزواي کامل اقتصادی و اقدامات تلافی‌جویانه نامتقارن در منطقه حرکت کند. برای ایران نیز مدیریت این فشارها حیاتی است. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، ادامه تعاملات دیپلماتیک را تنها راه عملی برای خروج از وضعیت فرساینده «نه جنگ و نه صلح» دانسته، درحالی که جریان‌های تندرو در تهران نسبت به همسویی کشورهای همسایه با راهبردهای غرب هشدار می‌دهند. حضور محسن نقوی در کنار فرمانده ارتش پاکستان نیز نشان می‌دهد، مأموریت اسلام‌آباد فقط به پرونده هسته‌ای و مسائل عالی امنیتی محدود نیست. مدیریت مرزها، جلوگیری از فعالیت گروه‌های مسلح فرامرزی و تأمین امنیت مسیرهای تجارت و انرژی از دیگر دغدغه‌های دو کشور است. پاکستان نیز منافع مستقیمی در جلوگیری از گسترش جنگ دارد؛ زیرا یک درگیری گسترده می‌تواند، مرزهای غربی این کشور را بی‌ثبات و مسیرهای حیاتی انرژی آن را مختل کند.

شواهد چه می‌گویند؟

مجموعه تحولات اخیر نشان می‌دهد، پاکستان تلاش دارد میان دو سطح از بحران حرکت کند: از یک‌سو ارتباط مستقیم با تصمیم‌گیرندگان آمریکایی و از سوی دیگر مذاکره با مقام‌های ایرانی. یکی از مهم‌ترین اهرم‌های اسلام‌آباد، تضمین‌های پشت پرده است. پاکستان می‌تواند با تکیه بر ارتباطات خود با واشنگتن به تهران اطمینان دهد که آمریکا آماده ورود به روندی مبتنی بر اقدامات متقابل و جدی است، نه اینکه صرفاً به سیاست تبییهی ادامه دهد. اهرم دوم، احیای چارچوب اسلام‌آباد است. پاکستان می‌تواند با اصلاح کاستی‌های اجرایی و شفاف‌های اعتماد موجود، نقشه راهی تازه برای کاهش تنش ارائه کند؛ به شکلی که هر دو طرف بتوانند بدون از دست دادن وجهه سیاسی از مواضع خود عقب‌نشینی کنند. اهرم سوم نیز مشوق‌های امنیت انرژی و تجارت منطقه‌ای است. اسلام‌آباد می‌تواند بر تجارت مرزی، تجارت دوجانبه و همکاری‌های انرژی تأکید کند تا در شرایط تشدید تحریم‌ها از فروپاشی کامل اقتصاد ایران جلوگیری شود.

اختلاف بر سر چیست؟

اختلاف اصلی همچنان بر سر برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های آمریکا، اجرای تعهدات تفاهنامه اسلام‌آباد و وضعیت تنگه هرمز است. واشنگتن در حال افزایش فشار برای وادار کردن تهران به پذیرش خواسته‌های خود است و تهران نیز در برابر آنچه نقض تعهدات و فشار یک‌جانبه می‌داند، حاضر به پذیرش محدودیت‌های یک‌طرفه نیست. در همین شرایط آمریکا سنگین‌ترین بسته تحریمی علیه ایران را فعال کرد. وزیر خزانه‌داری در کنفرانس خبری گفت: با دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ترامپ «کارزار تحریمی گسترده علیه ایران» آغاز شده و ۶۰ نهاد، شخص و کشتی مرتبط با ایران در فهرست تحریم‌ها علیه ایران قرار گرفتند. وی گفت: تحریم‌ها شرکت‌ها و کشتی‌های ناوگان سایه در امارات، هنگ کنگ، چین،

پیشبرد قراردادهای چند میلیارد یورویی در انرژی، بهداشت، فناوری و حمل‌ونقل تبدیل شد. مذاکرات درباره پروژه‌های بزرگ تجاری نیز ادامه یافت؛ از جمله احداث یک شهربازی عظیم با محوریت مجموعه «دراگون‌بال» در منطقه کلان‌شهری پاریس که با حمایت عربستان دنبال می‌شود و مقام‌های محلی فرانسه آن را سرمایه‌گذاری فرهنگی در مقیاسی شبیه دیزنی‌لند توصیف کرده‌اند.

همکاری دفاعی و صنعتی نیز یکی دیگر از محورهای اصلی بود. مذاکرات درباره تجهیزات نظامی پیشرفته، از جمله جنگنده‌های رافال ساخت شرکت داسو و تجهیزات دفاع دریایی، ادامه یافت. در این سفر، قرارداد خرید ۵۴ فروند جنگنده رافال از فرانسه قطعی شد و وبگاه «امور دفاعی جهان عرب» از افزایش شمار جنگنده‌های خریداری شده تا ۱۰۰ فروند خبر داد؛ موضوعی که در صورت تحقق، همکاری دفاعی پاریس و ریاض را وارد مرحله‌ای جدید خواهد کرد.

سنگاپور و سوئیس را هدف قرار می‌دهد. عملیاتی را برای خفه کردن اقتصاد و نظام ایران آغاز کرده ایم. او مدعی شد: ترامپ برای قطع روابط اقتصادی بسا ایران با رهبران جهان در تماس است. اقدامات ما نظام ایران را در تنگنا قرار خواهد داد و سپاه پاسداران را هدف قرار خواهد داد. وی ادعا کرد: هر کشور یک جدول زمانی مشخص برای توقف فعالیت‌ها دارد و اگر کشورها اقدامی نکنند ما به صورت یکجانبه و از طریق اختیارات خود اقدام خواهیم کرد. ما به کشورهایی که قاچاق نفت ایران را تسهیل می‌کنند و اجازه می‌دهند، بانک‌هایشان به نمایندگی از رژیم ایران مورد استفاده قرار گیرد، هشدار داده‌ام. کشورها مهلت خواهند داشت تا فعالیت‌های شناسایی شده توسط وزارت خزانه‌داری از جمله تعطیلی شعب بانک‌های ایرانی در خارج از کشور را متوقف کنند. هر نهادهی که پولشویی را برای ایران تسهیل کند از سیستم مالی مبتنی بر دلار آمریکا حذف خواهد شد.

پیامدها چیست؟

شکست مأموریت پاکستان، می‌تواند یکی از معدود کانال‌های باقی‌مانده برای کاهش تنش میان تهران و واشنگتن را تضعیف کند. تشدید درگیری نه فقط فشار اقتصادی بر ایران را افزایش می‌دهد بلکه می‌تواند، امنیت مرزهای پاکستان، جریان انرژی منطقه و تجارت در آبراه‌های حیاتی را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد. برای اسلام‌آباد موضوع فقط موفقیت یک میانجیگری نیست. پاکستان باید میان روابط همسایگی با ایران و تعهدات جدید خود در چارچوب توافق دفاعی با عربستان و ترکیه تعادل برقرار کند. از سوی دیگر ادامه فشارهای اقتصادی آمریکا ممکن است، تهران را به سمت اقدامات تلافی‌جویانه بیشتر سوق دهد؛ شرایطی که می‌تواند، وضعیت تنگه هرمز را بغرنج‌تر کند.

چه خواهد شد؟

سفر عاصم منیر را می‌توان تلاشی پرخطر و شاید یکی از آخرین تلاش‌ها برای بازگرداندن منطقه از لبه یک شوک گسترده اقتصادی و نظامی دانست. تفاهنامه اسلام‌آباد اگرچه عملاً در وضعیت «کما» قرار گرفته اما همچنان امکان احیای آن وجود دارد. اسلام‌آباد تلاش دارد به تهران نشان دهد، بازگشت به مذاکره الزاماً به‌معنای تسلیم در برابر فشار نیست و می‌تواند با تضمین‌های متقابل، مشوق‌های اقتصادی و نقشه راهی جدید همراه شود. همزمان باید واشنگتن را متقاعد کند که فشار حداکثری بدون ایجاد یک مسیر معتبر برای مذاکره ممکن است، نتیجه معکوس داشته باشد. در این میان تنگه هرمز همچنان مهم‌ترین نقطه سنجش بحران است. اگر مسیرهای دیپلماتیک دوباره باز شوند، تفاهمی که در خردادماه متوقف شد، می‌تواند احیا شود؛ اما اگر فشار تحریمی آمریکا و اقدامات متقابل ایران بر یکدیگر افزوده شوند، منطقه ممکن است بار دیگر وارد رویارویی‌ای شود که دیگر به تهران و واشنگتن محدود نخواهد ماند. سفر عاصم منیر به تهران، در چنین شرایطی، بیش از یک سفر سیاسی است؛ تلاشی برای باز کردن آخرین پنجره دیپلماسی پیش از آنکه منطقه و جهان شاهد یک رویداد غیرمنتظره دیگر در خاورمیانه باشند.



با وجود فضای دیپلماتیک و خوش‌بینی اقتصادی این سفر با انتقادهای داخلی فرانسه نیز همراه شد. اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر درباره پاسخگویی نسبت به موارد نقض حقوق بشر در گذشته ابراز نگرانی کردند. این واکنش‌ها بار دیگر توازن دشوار پاریس میان عمل‌گرایی راهبردی، منافع تجاری و تأکید بر حقوق بشر را برجسته کرد.

سفر محمد بن سلمان به فرانسه فراتر از یک دیدار رسمی بود و مجموعه‌ای از منافع مشترک اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و نظامی را به یکدیگر پیوند زد. فرانسه از تعمیق این روابط به سرمایه‌گذاری، قراردادهای صنعتی و دفاعی و نفوذ بیشتر در منطقه دست می‌یابد و عربستان نیز با تقویت رابطه با یکی از متحدان کلیدی اروپایی، پشتوانه‌ای مهم برای اجرای «چشم‌انداز ۲۰۳۰» و تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی خود فراهم می‌کند.

آسیا

نفورزمایش بزرگ

آمریکا با مشکل کمبود نیرو مواجه شد

کره جنوبی اعلام کرد، آمریکا یک رزمایش بزرگ مشترک پیاپی – آبی – خاکی که قرار بود در ماه آبی میلادی برگزار شود را به دلیل محدودیت در دسترس بودن نیروهایش پس از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران لغو کرده است. به نوشته شبکه خبری الجزیره، «هان سونگ-جون» سخنگوی تفنگداران دریایی کره جنوبی روز دوشنبه در یک نشست خبری به خبرنگاران گفت: «تفنگداران دریایی آمریکا در ماه ژوئن رسماً به نیروهای ما اطلاع داد که توانایی‌اش برای اعزام نیرو در رزمایش اسمال سانگ‌یونگ به دلیل وضعیت خاورمیانه محدود خواهد بود». رزمایش‌های دوسالانه سانگ‌یونگ با مشارکت نیروهای تفنگداران دریایی کره جنوبی و آمریکا برگزار می‌شوند و با هدف تقویت عملیات مشترک طراحی شده‌اند. این رزمایش‌ها معمولاً شامل کشتی‌های جنگی، هواپیماها و نیروهای زمینی است که عملیات پیاپی – آبی – خاکی را تمرین می‌کنند. این اعلامیه پس از آن منتشر شد که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا هفته گذشته در اقدامی غیرمنتظره دستور کاهش یک رزمایش نظامی مشترک سالانه دیگر را صادر کرد؛ رزمایشی که جمعه گذشته به پایان رسید. ترامپ هزینه‌های آن و خودداری سنول از مشارکت در جنگ با ایران را از دلایل این تصمیم عنوان کرد. رزمایش‌های سالانه «سپر آزادی اولچی» از ۱۱ روز به ۵ روز کاهش یافتند. ترامپ همچنین تلاش کرده است، رابطه‌ای که در نخستین دوره ریاست‌جمهوری خود با «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی ایجاد کرده بود را احیا کند. وی هفته گذشته در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت که رزمایش‌های «سپر آزادی اولچی» پیامی «کاملاً نامناسب و خصمانه» به کشوری ارسال می‌کنند که «تا زمانی که دونالد جی. ترامپ رئیس‌جمهور بوده هیچ تهدیدی ایجاد نکرده و محترمانه رفتار کرده است». با وجود کاهش این رزمایش‌ها، کره شمالی هفته گذشته ۱۰ موشک بالستیک کوتاه‌برد شلیک و بیانه‌ای نیز در محکومیت این رزمایش‌ها صادر کرد. کره شمالی مدت‌هاست این رزمایش‌های مشترک را تمرین‌هایی برای تهاجم به این کشور می‌داند. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین هفته گذشته گفت، مهم است که با کیم «کنار باییم» و افزود پیونگ‌یانگ اکنون ۵۷ سلاح هسته‌ای «بسیار قدرتمند» در اختیار دارد. برآورد کره جنوبی حاکی از آن است که کره شمالی ۸۰ تا ۱۲۰ سلاح هسته‌ای دارد.



وبترین

زندگی اضطرابی

۱۵ روایت از جنگ ۱۲روزه در نوشتن زیر سایهٔ جنگ



مهدی پایه‌دار اردکانی

روزنامه‌نگار

بعضی خاطره‌ها در آمار و تاریخ خلاصه نمی‌شوند؛ باید نوشت، تا فراموش نشوند. هیچ‌کدام‌ها آن ۱۲ روز را از یاد نمی‌بریم؛ روزهایی که هرکجای دنیا بودی، چیزی در تو همراه با وطن می‌لرزید. اما در کنار ویرانی‌ها، لایه‌ای پنهان از درد باقی ماند؛ دردی که نه در گزارش خبری می‌گنجد، نه در آمار و ارقام، بلکه در جان و روح کسانی نشست که در میانه آتش بودند یا از دور، در سکوت بی‌خبری، درد را زندگی کردند. در ۱۲ روز جنگ علیه ایران، در تیر ۱۴۰۴، هر ایرانی در هر نقطه‌ی از این دنیا، چه در داخل و چه در خارج، در اثر این تجاوز به خاک کشورمان درگیری‌های روانی، جسمی و عاطفی بسیاری را تجربه کرد. چه افرادی که در ایران و زیر آتش و باروت این تجاوز زندگی کردند و چه در خارج ایران، از بی‌خبری و دوری از خانواده، با هر رنگی از افکار سیاسی، دچار اضطراب‌های ناشی از جنگ شدند. کتاب «نوشتن زیر سایهٔ جنگ»، روایتی است مختصر از این عواطف و آسیب‌ها در این دورهٔ تلخ و نه‌چندان کوتاه.

«نوشتن زیر سایهٔ جنگ»، منتخبی از روایات ارسالی از سوی قلم‌به‌دستانی است که احوالات زندگی ۱۲ روز خود زیر سایهٔ جنگ را به‌رشته تحریر درآوردند. این روایات زیر نظر کاوه فولادی‌نسب‌زاده، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار ادبی و مدرس داستان‌نویسی ایرانی جمع‌آوری شده است. کتاب با مقدمه‌ای از سوی ناشر آغاز می‌شود؛ مقدمه‌ای که به توضیح ماندگاری ابعاد مختلف این جنگ در حافظهٔ جمعی ایرانی‌ها و نحوهٔ جمع‌آوری متون از طریق فراخوان این انتشارات، برای بازتاب عواطف و افکار ساکنان این سرزمین زیر سایه جنگ می‌پردازد. در «نوشتن زیر سایهٔ جنگ»، سه روایت برگزیده و ۱۲ متن از میان آثار ارسالی، برای انتشار انتخاب شده است. پس از مقدمه ناشر، اولین اثر از سه روایت برگزیده به بیان احوالات مصطفی سلیمانی، روان‌شناسی ساکن تهران و گرفتار شده در قم می‌پردازد. تمام افکار او فارغ از نگرانی‌های زندگی خود و دفترش، بیشتر به احوال مراجعانی تعلق دارند که آخرین مکالمات‌شان بوی پایان زندگی را می‌داد. این افکار روایت‌گر اتفاقات داستانی است که به‌عنوان نخستین داستان برگزیده، انتخاب شده است.

روایت برگزیدهٔ دوم، با عنوان «کام تو انگلیش گاردن»، روایتی از زندگی معلق امیرعباس کلهر، مهمان‌داری در یک رستوران در کنار رودخانهٔ تیمز لندن است. او معلق میان لبخندهای اجباری و نگرانی‌هایی برای دوستان و خانواده‌ای که زیر موشک‌باران تهران گرفتار شده‌اند. برای فرار از لبخندهای اجباری، گاهاً مجبور به پنهان شدن در سرویس بهداشتی می‌شود، تنها در خانه ماندن را به جمع هم‌زبانان با شوخی‌های سیاسی ترجیح می‌دهد و به زندگی دوجہانی ادامه می‌دهد؛ جسم در خارج از ایران و روح در داخل ایران. «روزنگار جنگ» از مهسا پورحقانی، روایتی است از یک مادر اصفهانی اما ساکن تهران. روایت از نگرانی‌های مراقبت از فرزند، مدیریت امور خانه و حفظ آن به‌عنوان آخرین پناهگاه آرامش، چالش‌های زندگی در ۱۲ روز جنگ را به نمایش می‌گذارد. بعد از این سه روایت برگزیده، روایت‌ها دیگری همانند «پیش از آنکه بگویم بوم» از متین قربانعلی‌زاده و ریحانه شاکری‌نیا به صورت نامه‌نگاری، «گیج جنگ» از نفسیه قانان، «بسازم قلعه‌ای از ماسه، که جلوی موج‌ها وایسه» از کیمیا ضیاعی و «نهایت این‌ها را می‌دانستیم» از محمدرضا صالحی، هرکدام بیانگر روایت‌هایی از ابعاد مختلف زندگی در ۱۲ روز جنگ است. مطالعهٔ این کتاب یادآور احساساتی مشابه در زمان جنگ است و حس هم‌زادپنداری را در مخاطب ایجاد می‌کند. از روان‌شناسی که درگیری‌های مراجعانش را دارد تا جوانی ساکن لندن و معلق میان لبخندهای اجباری و جنگ تا اطلاعاتی که در مورد جنگ و موشک و پدافند به زندگی انسان‌های عادی راه پیدا کرده است.

این اثر، سندی مکتوب از روایاتی متفاوت زیر سایه جنگ است. سندی برای انتقال به آیندگان از حال‌وهوای ما در روزهای جنگ، روزهایی که امید است آن‌ها تنها در کتاب‌ها درک کنند. از جهت دیگر، این اثر آینهٔ نگرانی‌ها و احوالات‌مان در برابر جهانیان و بازتابی از تجربهٔ جنگی مدرن با همان تابیج و اثرات قدیمی است.

روایت «روزنگاری جنگ: سه‌شنبه ۱۴۰۴/۰۳/۲۷» نوشته عارفه غفرانی، روایت زنی است که با تمام سختی‌های زندگی در کنار همسرش، خانه‌ای با عشق خریده شده را با تمام وجود همچون فرزندش آراسته. نگرانی پدر و مادر پا به سن گذاشته‌اش را دارد که در گوشه‌ای از دلش، با وجود فاصله ۲۰۰ کیلومتری میان‌شان، برای آن‌ها شور می‌زند. خانه‌اش را تنها جایی در این سرزمین می‌داند که برای اوست و با تمام وجود کنار همسرش برای داشتن آن تلاش کرده است. اگر علاقه به دانستن زاویه‌ای فارغ

از تحلیل‌های سیاسی و کلیشه‌ای جنگ دارید، این کتاب بهترین گزینه است؛ با نگاهی دقیق و موشکافانه، عواطف و احساسات مردم زیر سایهٔ جنگ و در میدان زندگی مستقیماً در این کتاب آورده شد و یادآور خاطراتی از دل جنگ است.

نوشتن زیر سایهٔ جنگ

زیر نظر کاوه فولادی‌نسب

نشر مهرگان خرد

۹۶ صفحه

۲۵۰۰۰۰ تومان



کافه

تازه‌های ادب و هنر

قدرت ادبیات

جستاری از **بختیار علی** دربارهٔ جدال همیشگی قلم و سیاست



آراکو محمودی

مترجم

در تاریخ تمدن، همواره دو نیرو در تقابلی ابدی بوده‌اند: «قلم» و «قدرت». در حالی‌که حاکمان برای بقای قدرت، نیازمند ساختن هاله‌ای از تقدس و اسطوره‌سازی پیرامون خویش‌اند، ادبیات همواره کارکردی معکوس داشته است؛ ادبیات، پتکی بوده برای شکستن این بت‌های سنگی و عریان‌کردن حقیقت انسانی شاهان؛ حقیقتی که غالباً از ضعف، دودلی و هراس‌های حقیر انباشته است.

در جستار پیش رو، بختیار علی، نویسنده، شاعر و روشن‌فکر برجسته‌گرد، با نگاهی که هم ریشه در سنت ادبی شرق دارد و هم با جهان‌بینی منتقدانهٔ ادبیات غرب صیقل یافته است، به کالبدشکافی این تقابل می‌پردازد. او نه تنها شکسپیر و سوفوکل را به تالار گفت‌وگو فرا می‌خواند، بلکه جسورانه به نقد «فرهنگ ستایش‌گری» در ادبیات شرق می‌تازد؛ فضایی که در آن، هنرمند به‌جای آن‌که «شاه قلمرو خیال» باشد، اغلب در پی جلب رضایت حاکمان بوده است.

این جستار به بازخوانی جایگاه نویسنده و هنرمند آزاد در جغرافیایی که سایهٔ دیکتاتور‌ها همواره سنگین می‌کنند، می‌پردازد؛ تأملی در این باب که چگونه می‌توان از ساحت اسطوره‌ای قدرت عبور کرد و حقیقت عریان انسانی را در پشت نقاب‌های قدرت پوشالی بازیافت.

■ ■ ■

حاکمان و پادشاهان همواره موضوعی بنیادین در ادبیات بوده‌اند. قدرت –هم‌چون عشق، نفرت و مرگ– درون‌مایه‌ای پرکشش و جذاب است؛ طلسم و افسون سلطه و پیچیدگی‌های

گزارش: سینیمای ایران

درون آن، همانند راز زیبایی، امر جنسی و شرارت، انسان را به سوی خویش می‌کشد. بر همین اساس، از اساطیر یونان باستان تا به امروز، صاحبان قدرت و حاکمان همواره دست‌مایهٔ خلق آثار ادبی و هنری بوده‌اند.

شکسپیر در نمایش‌نامهٔ «پریکلس»، از زبان شخصیت پریکلس می‌گوید: «خداوند پادشاهان را از چاپلوسانی مصون بدارد که مانع دیدن کاستی‌ها و معایب خودشان می‌شوند». این سخن شکسپیر، شاید تا حدی علت این اشتیاق را روشن کند که چرا ادبیات تا این پایه، به حاکمان و پادشاهان می‌پردازد. پادشاهان، انسان‌هایی ساده و سرشار از کاستی و ضعف هستند که شاید بیش از هر انسان دیگری در معرض خطاهای بزرگ قرار دارند، اما در بیرون، در چشم خود و هواداران‌شان، همچون موجوداتی اساطیری و نجات‌بخش نگریسته می‌شوند و به آن‌ها قدرتی فرایشری و توانایی‌هایی بسیار بزرگ‌تر از توانایی ما انسان‌های ضعیف نسبت داده می‌شود. بااین‌حال، کارکرد ادبیات همواره تأمل در جوهر متناقض انسان در مقام موجودی نوسان‌کننده میان قدرت و ضعف بوده است. دیدن پادشاهان و حاکمان در مقام کسانی که مرتکب خطاهای هولناک می‌شوند، فریفته قدرت خویش می‌شوند و خود را نامیرا و جاودان می‌بینند، هنگامی که شکوه پوشالی‌شان فرو می‌یابد و حقیقت آن‌ها آشکار می‌گردد، به یکی از دل‌انگیزترین و جذاب‌ترین درون‌مایه‌های ادبیات بدل می‌شود.

اگر برای نمونه، قلم‌روی شهریاران را در ادبیات شکسپیر بررسی کنیم، درمی‌یابیم کمتر متنی از او وجود دارد که سفری طولانی به درون آن روح ساده، کوچک و خطاکار نهفته در نهاد شاهزادگان و پادشاهان نباشد. هیچ نویسنده‌ای در تاریخ همچون شکسپیر دربارهٔ انسان متعارف درون پادشاهان و صاحبان قدرت قلم نزده است؛ و هیچ

نویسنده‌ای هم چون او پر آشکار کردن تناقض عمیق میان «تصویر شاه» و «حقیقت شاه» کار نکرده است. از شاه لیر گرفته تا هملت، مکبث و هنری چهارم، سخن همواره بر سر ضعف، دودلی و تراژدی نهفته در پشت پردهٔ قدرت است.

حتی در نمایش‌نامه‌ای چون «هنری پنجم» که شکسپیر در آن می‌کوشد هنری را در مقام قهرمانی بی‌بدیل برای انگلستان، حامل شکوه بریتانیا و درهم‌کوبندهٔ فرانسویان بازنمایی کند، باز هم همان اشتیاقی پیشین در لایه‌های زیرین اثر کارگر است. شکسپیر بسیار مایل است هنری پنجم را همچون نمادی از روح پرغرور انگلیسی تصویر کند؛ برای نمونه، در همان آغاز نمایش‌نامه، پیش‌درآمد (پرولوگ) نخست با زبانی خطابی از عظمت و ویژگی‌های اسطوره‌ای هنری سخن می‌گوید، تا آن‌جا که پوشش می‌طلبد چگونه بازیگرانی بی‌مقدار و تهی، جسارت ورزیده‌اند بر صحنه‌ای چنین ناچیز و بی‌شکوه، نقش شخصیتی چنین افسانه‌ای را ایفا کنند. او از تماشاگران می‌خواهد با نیروی تخیل خویش، شکاف میان شکوه راستین شاهانه و فقر و بی‌جلوگی روی صحنه را پر کنند؛ اما در همان‌جا نیز به‌تمامی رویکرد سادهٔ شاه، دودلی‌ها و ترس‌هایش را حس می‌کنیم و دل‌دادگی، سردی و بی‌رحمی‌های او را بازمی‌خوانیم. به‌طور کلی می‌خواهم بگویم ادبیات حتی در لحظهٔ ستایش شاهان نیز از جست‌وجوی انسان متعارف درون حاکمان و قدرتمندان باز نمی‌ایستد. تصویر شاه همواره با خود واقعی شاه متفاوت است. تناقض میان تصویر و حقیقت در هیچ کجا به‌اندازه قلمرو قدرت آشکار نمی‌شود. سازوکارهای اصلی قدرت و فرآیند شاه‌شدن، بر این اصل استوارند که ویژگی‌هایی غیرعادی و افسانه‌ای به شاه ببخشند. قدرتمندان اغلب مشروعیت خود را بر این پایه بنا می‌کنند که موجوداتی فروافتاده از دامن خدایان هستند، از آسمان به آن‌ها الهام

نایت‌سویم و وایلدساید، از زیرمجموعه‌های گروه فری‌ماتل، و شرکت صربستانی «دیس اند دت پروداکشنز» است و با حمایت نهادهای سینمایی ایتالیا و صربستان ساخته شده است. این فیلم در ونیز علاوه بر نخستین نمایش جهانی، فرصتی برای معرفی نخستین فیلم بلند یک فیلم‌ساز جوان ایتالیایی نیز خواهد بود.

فیلم‌سازی از دل مهاجرت

هَدا طاهری و بوریس هادُیا پیش از ساخت نخستین فیلم بلندشان، چند فیلم کوتاه را با یکدیگر ساخته‌اند؛ همکاری‌ای که از فیلم «مادر تمام روز دعا می‌کند» در سال ۲۰۲۲ آغاز شد و با «انگار مادر آن شب گریه کرد» در سال ۲۰۲۳ و «مادر گناهکاری بالفطره است» در سال ۲۰۲۴ ادامه پیدا کرد. هر سه فیلم، نخستین نمایش خود را در جشنواره فیلم لوکارنو تجربه کردند. اکنون این دو فیلم‌ساز با نخستین فیلم بلند خود، «دستم را در باغ می‌کارم» به ونیز می‌آیند.

داستان فیلم درباره هَدا و بوریس است؛ زوجی که عاشق یکدیگرند و در انتظار تولد فرزندشان به‌سر می‌برند. آنها تصمیم می‌گیرند، ازدواج کنند و خانواده‌ای تشکیل دهند اما نزدیک شدن مراسم ازدواج باعث می‌شود، پرسش‌هایی درباره معنای خانواده، زوج بودن، عشق و والدگری در برابرشان قرار گیرد. هَدا یک پناهنده ایرانی ساکن برلین است و بوریس، مردی با گرایش‌های خاص جنسیتی از صربستان. همین ترکیب، نقطه آغاز فیلمی است که می‌خواهد مفاهیمی مانند ازدواج، ملیت، جنسیت و خانواده را نه به‌عنوان مفاهیمی ثابت بلکه به‌عنوان ساختارهایی که می‌توان آنها را دوباره تعریف کرد، بررسی کند. نکته مهم‌تر اینکه طاهری و هادُیا فقط کارگردانان فیلم نیستند؛ آنها خودشان نیز در فیلم بازی می‌کنند و اعضای از خانواده‌ای واقعی آنها نیز در فیلم حضور دارند. به این ترتیب، مرز میان زندگی شخصی و داستان سینمایی عمداً کمرنگ می‌شود. خود

جست‌وجوی آینده‌ای تازه حرکت می‌کنند. بابک کریمی در این فیلم، نقش رهبر ارکستر را بازی می‌کند؛ پدری که همراه با پسرش، نوازنده توبا، سفری طولانی و نامطمئن را آغاز می‌کند. در مسیر، سرنوشت آنها با یک پزشک ایتالیایی، با بازی ماتیلدا دِ آنجلیس، گره می‌خورد. به این ترتیب، حضور کریمی در «بالکانیکا» صرفاً یک حضور بازیگری در یک تولید اروپایی نیست. شخصیت او نیز مانند بسیاری از شخصیت‌های سینمای معاصر اروپا، با مسئله مهاجرت و از دست‌دادن خانه مواجه است؛ انسانی که ناچار است در جغرافیایی تازه، امکان ادامه زندگی و بازتعریف هویت خود را پیدا کند. فیلم در صربستان و در ماه‌های آوریل و مه ۲۰۲۶ فیلم‌برداری شده و بخش عمده فیلم‌برداری آن در سیبیتسسا و فلات پیشتر انجام شده است، چشم‌اندازهای این منطقه نیز بخش مهمی از زبان بصری فیلم را تشکیل می‌دهند. «بالکانیکا» محصول شرکت‌های ایتالیایی



بابک کریمی در «بالکانیکا»

«بالکانیکا» نخستین فیلم بلند نیکولا سورچینلی، کارگردان ایتالیایی است. فیلم داستان یک رهبر ارکستر افغان و پسرش را روایت می‌کند که در شرایطی که موسیقی در افغانستان ممنوع شده، کشورشان را ترک می‌کنند و از مسیر بالکان در



گزارش: سریال خارجی

کابوس‌های خنده‌دار

درباره سریال کم‌دی سیاه-وحشت «خلیج بیوه»

مجموعه سریال کیتی دی‌پولد با ترکیب کم‌دی سیاه، وحشت و داستان‌های شخصیت‌محور به یکی از پدیده‌های دهان‌به‌دهان تلویزیون در سال ۲۰۲۶ تبدیل شده و تحسین چهره‌هایی چون کیرمو دل‌تورو، بن استیلر و جانانا بیلی را به همراه داشته است. کیتی دی‌پولد نزدیک به ۲۰ سال برای ساخت «خلیج بیوه» صبر کرد؛ مجموعه‌ای که امروز به یکی از متفاوت‌ترین آثار تلویزیونی سال تبدیل شده است. ایده اولیه این مجموعه در میانه دهه ۲۰۰۰ شکل گرفت؛ زمانی که دی‌پولد آن را به‌عنوان یک متن پیشنهادی برای مجموعه کم‌دی («پارک‌ها و تفریحات» نوشته بود. اما سال‌ها طول کشید تا این ایده به شکل امروزی خود برسد؛ مجموعه‌ای که در آن کم‌دی، وحشت، داستان‌های ماورایی و مطالعه شخصیت‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. دی‌پولد در سال‌های بعد، هم‌زمان با فعالیت در تلویزیون و سینما، بارها به سراغ این ایده بازگشت. حتی در اوایل دهه ۲۰۱۰ آمازون آماده تولید نسخه‌ای از «خلیج بیوه» بود اما نویسند در نهایت از این همکاری منصرف شد. خودش می‌گوید، احساس می‌کرد هنوز به‌اندازه کافی درباره جهان داستان و شخصیت‌هایش فکر نکرده است. اکنون نتیجه آن سال‌ها بازنویسی و تردید، در قالب مجموعه‌ای ۱۰ قسمتی عرضه شده که در مدت کوتاهی توانسته توجه منتقدان و چهره‌های شناخته‌شده سینما و تلویزیون را جلب کند. کیرمو دل‌تورو، فیلم‌ساز برنده اسکار، آن را یکی از بهترین مجموعه‌های پخش‌شده در سال‌های اخیر دانسته و بن استیلر و جانانا بیلی نیز از آن تمجید کرده‌اند. روزنامه نیویورک‌تایمز نیز «خلیج بیوه» را بهترین مجموعه تلویزیونی جدید سال معرفی کرده است.



داستان در یک شهر جزیره‌ای کوچک در نیوانگلند می‌گذرد؛ شهری که در ظاهر مقصدی آرام و جذاب برای گردشگران است، اما تقریباً تمام ساکنان آن باور دارند که شهر نفرین‌شده و تسخیرشده است. تام لوفتیس، شهردار

شهر با بازی متیو ریس، تنها کسی است که حاضر نیست این باور عمومی را بپذیرد. او تلاش می‌کند، خلیج بیوه را به مقصدی گردشگری تبدیل کند و با دعوت از یک نویسنده مشهور حوزه سفر، زمینه رونق اقتصادی شهر را فراهم کند.

اما خیلی‌زود مشخص می‌شود که گذشته شهر قرار نیست به این سادگی دست از سر ساکنانش بردارد. بنیان‌گذار چندصدساله شهر، ریچارد وارن و نفرینی قدیمی که به او نسبت داده می‌شود، وارد زندگی شخصیت‌ها می‌شوند و شهردار نیز به‌تدریج مجبور می‌شود، احتمال وجود نیروهای ماورایی را بپذیرد. با این حال «خلیج بیوه» صرفاً یک مجموعه ترسناک نیست. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، تغییر مداوم لحن و قالب داستان در هر قسمت است. گاهی با یک داستان ترسناک درباره موجوداتی مانند مرد لولوخورخوره یا جادوگر دریایی مواجهیم و گاهی مجموعه به یک کم‌دی موقعیت درباره کارمندان شهرداری تبدیل می‌شود. در قسمت‌هایی نیز تمرکز داستان روی شخصیت‌هایی است که در حاشیه شهر زندگی می‌کنند و به‌تدریج نقش مهم‌تری در ماجرا پیدا می‌کنند.

هیرو موراوی، کارگردان و تهیه‌کننده اجرایی مجموعه، این ویژگی را یکی از جذابیت‌های اصلی آن می‌داند. از نگاه او، هر قسمت مانند فیلمی مستقل عمل می‌کند و زائر خودش را دارد؛ درحالی که همه این داستان‌های متفاوت در یک جهان مشترک به یکدیگر متصل می‌شوند. این ساختار باعث شده «خلیج بیوه» از الگوی رایج بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی فاصله بگیرد. موراوی معتقد است در سال‌های اخیر بسیاری از مجموعه‌ها عملاً تلاش کرده‌اند، فیلم‌هایی چندساعته باشند، در حالی که این اثر از ظرفیت‌های واقعی تلویزیون ایزودیک استفاده می‌کند؛ یعنی هر قسمت می‌تواند هویت و فضای مستقل خود را داشته باشد و در عین حال بخشی از یک داستان بزرگ‌تر باقی بماند.

فضای بصری مجموعه نیز نقش مهمی در شکل‌گیری هویت آن دارد. گروه تولید در ابتدا امکان فیلم‌برداری در کانادا را بررسی کرده بود اما موراوی تأکید داشت که فضای داستان باید حال‌وهوای قدیمی نیوانگلند را داشته باشد. در نهایت ماساچوست به محل فیلم‌برداری تبدیل شد. خانه‌های تاریخی، موزه‌ها، نقاشی‌های قدیمی و معماری استعماری، فضایی را ایجاد کرده‌اند که هم‌زمان جذاب و ناآرام‌کننده است. یکی از عناصر اصلی موفقیت مجموعه، بازی متیو ریس در نقش شهردار است. او که برای بسازی در «آمریکایی‌ها» جایزه امی دریافت کرده در «خلیج بیوه» میان کم‌دی و تراژدی حرکت می‌کند. شخصیت او گاهی مضحک و دست‌وپاچلفتی است، گاهی درمانده و گاهی قهرمان. خود ریس اعتراف کرده که ابتدا نمی‌دانسته چگونه باید چنین نقشی را بازی کند و حتی در نخستین تماشای قسمت‌ها احساس کرده اجرای او بیش از اندازه اغراق‌آمیز شده است.

در کنار او، بازیگرانی چون کیت اوفلین، جف هیلر، دیل دیکي، استفن روت و کوین کارول گروه بازیگران مجموعه را شکل داده‌اند. شخصیت پاتریشیا، با بازی اوفلین نیز در طول فصل از یک زن طردشده و عجیب به شخصیتی تبدیل می‌شود که در مرکز برخی از مهم‌ترین وقایع داستان قرار می‌گیرد. اما شاید مهم‌ترین دلیل موفقیت «خلیج بیوه» در جمله‌ای خلاصه شود که دی‌پولد درباره جهان‌بینی خودش بیان می‌کند: «من فکر می‌کنم، زندگی یک کابوس است».

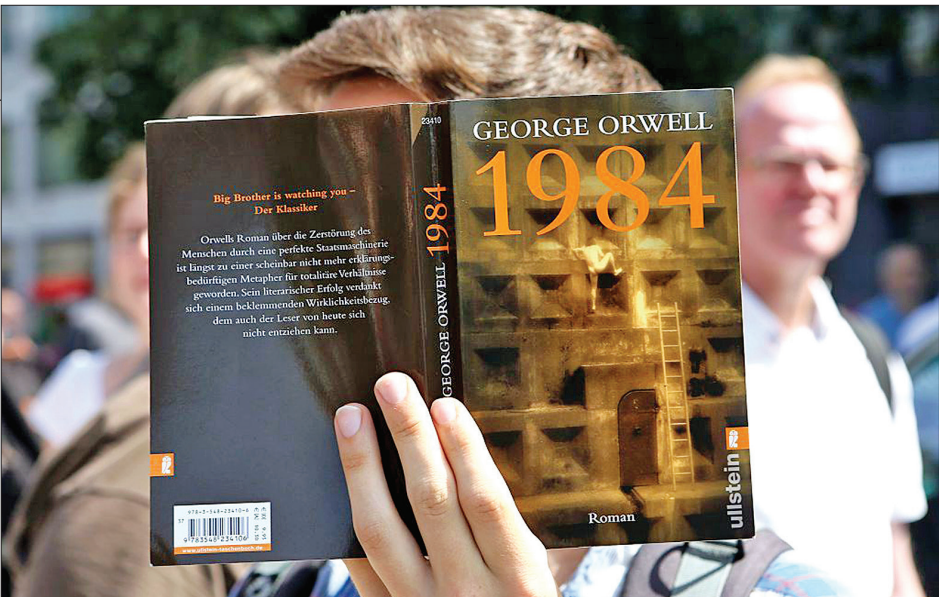
این نگاه، اساس ترکیب عجیب و در عین‌حال موفق مجموعه را شکل می‌دهد. از نظر دی‌پولد، زندگی هم‌زمان ترسناک و مضحک است. ممکن است در بدترین و اضطراب‌آورترین لحظه زندگی، یک اتفاق خنده‌دار رخ دهد و همین تناقض است که «خلیج بیوه» تلاش می‌کند به تصویر بکشد. به همین دلیل مجموعه نه صرفاً یک کم‌دی است و نه یک اثر وحشت؛ بلکه تلاشی است برای پیدا کردن نقطه‌ای که ترس و خنده در آن به یکدیگر می‌رسند. موفقیت دهان‌به‌دهان «خلیج بیوه» نیز نشان می‌دهد این ترکیب غیرمتعارف توانسته مخاطبانی را پیدا کند که از الگوهای تکراری تلویزیون فاصله گرفته‌اند. دی‌پولد برای ساخت این جهان نزدیک به دو دهه صبر کرد؛ و حالا به‌نظر می‌رسد آن همه تأخیر، بازنویسی و تردید، سرانجام به یکی از متفاوت‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی سال منجر شده است.

کرده است که زشتی درونی و بیرونی‌شان آشکار باشد. هم‌چنین عریان‌کردن دیکتاتور از هرگونه افسون در فیلم دیکتاتور بزرگ چاپلین نیازی به یادآوری من ندارد.

پادشاهان و دیکتاتورهای شرق نیز همچون همه قدرتمندان بزرگ، خود را در هاله‌ای الهی قرار داده‌اند. صدام حسین هنگامی که کویت را اشغال کرد، به گروهی از نزدیکانش گفت: «پیش‌تر تصمیم نگرفته بودم، این بار تصمیم مستقیماً از جانب خدا بود». صدام می‌گفت هنگامی که نشان حزب جمهوری‌خواه آمریکا را که نماد فیل است دیده، بی‌درنگ این آیه به یادش آمده است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَخِيكَ الْفِيلِ» و از این شباهت شگفت‌زده شده که خدا چگونه تاریخ را تکرار می‌کند و صاحبان فیل‌های جدید را به دست او، به هلاکت می‌رساند. این فرایند بزرگ تقدیس حاکم در تاریخ شرق، برخلاف ادبیات غرب، سهم ناچیزی را به فرایند افسون‌زدایی و عریان‌سازی قدرت واگذار کرده است. ادبیات کلاسیک شرق خالی از مدح و ستایش پادشاهان و قدرتمندان نیست، اما حجم عمده این ادبیات، معطوف به ستایش و مدح پادشاهان و حاکمان است. از این‌رو تا به امروز، فرهنگ ستایش فرمانروا در زیست‌بوم ادبی و سیاسی ما نمرده است؛ از شاعران دوره جاهلیت گرفته تا منتبئی و رابطه‌اش با سیف‌الدوله، تا آن لشکر بزرگ شاعران ستایش‌گر که صدام ساخته بود. ادبیات حوزه‌ما در شرق، کمتر جسارت دست‌بردن به ساحت پادشاه و حاکمان را داشته است. از همین‌رو، خود فرمانروایان نیز نویسندگان را بیشتر در مقام ستایش‌گران و یاوران قدرت دیده‌اند و به آن‌ها هم‌چون روحی آزاد عادت نکرده‌اند؛ آن‌ها این حقیقت را از یاد برده‌اند که کار نویسندگان، تهی‌کردن قدرت از افسون خویش است. شاید علت‌اش آن باشد که در غرب، نویسندگان و هنرمندان خود را بزرگ‌تر از پادشاهان دیده‌اند، اما در شرق، کوچک‌سازی هنرمند و نویسنده به حدی بزرگ بوده که هنوز جسارت و بی‌پروایی آن رؤیا شکل نگرفته و تثبیت نشده است. در غرب، بالزاک به زیبایی این احساس شاهانه را بیان کرده و نوشته است: «هنرمند بزرگ، خود شاه است، حتی فراتر از شاه؛ او هم خوشبخت است و هم آزاد، و به‌گونه‌ای زندگی می‌کند که خود می‌خواهد: او فرمانروای قلمرویی است که جهان مخلوق خود اوست». در شرق، این احساس را این‌جا و آن‌جا می‌یابیم اما هنوز ادبیات و هنر در عریان‌سازی حاکم و صاحب‌قدرت بسیار ناتوان‌اند.



در مقام یک فیلم‌ساز ایرانی مهاجر، داستان خانواده‌ای را روایت کرده که می‌خواهد معنای «با هم بودن» را از نو تعریف کند. شاید به همین دلیل، حضور این دو ایرانی در ونیز ۲۰۲۶ را بتوان نه یک اتفاق صرف بلکه نشانه‌ای از گسترش جغرافیای سینمای ایرانی در خارج از ایران دانست.



باطل‌کردن افسون و طلسم قدرت بوده است. هر قدرت بزرگی در طول تاریخ، در معرض نگاه افشاگر نویسندگان قرار داشته است. برای نمونه، در نمایش‌نامه‌های داریو فو، نوعی عریان‌سازی کاریکاتوری از شخصیت پاپ وجود دارد؛ به این معنا که الزامی ندارد قدرت صرفاً قدرتی سیاسی باشد، تا اشتیاق به شکستن و عریان‌کردن آن در نویسنده برانگیخته شود. هر شکوه دنیوی که خود را با هاله‌ای از امر قدسی احاطه کند، اشتیاقی پنهان در هنرمندان برمی‌انگیزد تا آن را به فرم ساده‌اش بازگردانند؛ به جوهر فاقد اکسسوار، پیرایه و بزک، به هستی کوچک و بارگذاری‌شده‌اش با تمام امور ناچیز و گذرای زندگی روزمره.

همان‌گونه که صاحبان قدرت پافشاری می‌کنند که انسان‌هایی غیرعادی هستند و از حقوقی استثنایی برخوردارند، ادبیات و هنر نیز پیوسته بر این امر کار می‌کنند که قدرتمندان، انسان‌هایی عادی و حتی بسیار خطاکارتر از انسان‌های معمولی هستند و همان هوا و هوس‌هایی آن‌ها را به حرکت درمی‌آورد که هر یک از ما را تحریک می‌کند. این کار را نه‌تنها نویسندگان بلکه در مقاطع بسیاری، فیلم‌سازان و نقاشان نیز انجام داده‌اند. تابلوی معروف فرانسیسکو گویا از خاندان سلطنتی اسپانیا، نشانه مهمی از آن نگاه تمسخرآمیزی است که گویا از طریق آن به پادشاه، همسر و خاندان او نگر بسته است. هر کسی که تابلوی گویا را دیده باشد، می‌داند که او به‌جز کودک درون تابلو –که پایی و زیبایی‌اش را حفظ کرده– بقیه فیگورها را به‌گونه‌ای ترسیم

می‌شود و ویژگی‌هایی دارند که انسان‌های عادی فاقد آن‌اند؛ به‌گونه‌ای که تعرض به آن‌ها همچون تلاش برای واژگون کردن قوانین طبیعت قلمداد می‌شود. این متمایزسازی خود، لازمه آن است که حاکم یا شاه از زایش تا مرگ، فرمانروا باقی بماند. اگر حاکم یا شاه فردی عادی و شبیه به ما باشد، بخش زیادی از مشروعیت بقای ابدی خود را در حکومت از دست می‌دهد و آن مشروعیت موروثی را که قدرت را برای نسل‌های بعدی‌اش باقی می‌گذارد، می‌بازد. از این‌رو، تصویر شاه باید از حقیقت او جدا باشد؛ حکومت‌های طولانی و موروثی نیازمند آن هستند که مشروعیت خویش را در قلمرو خیال و اسطوره بیابند، چراکه توجیه آن در واقعیت و تاریخ، امری دشوار است.

برخلاف خواست پادشاهان، ادبیات همواره در مواجهه با قدرت، دست به کار عریان‌سازی و ساده‌سازی بوده است. شاه ممکن است چیزی نباشد جز نادانی که سرنوشت با او بازی می‌کند و مجموعه‌ای از نیروها او را به این‌سو و آن‌سو می‌کشانند، بی‌آن‌که او خود از ماهیت آن‌ها چیزی بداند؛ چنان‌که در «ادیپ شهریار» سوفوکل می‌بینیم. یا ممکن است چیزی نباشد جز سرگردانی در جست‌وجوی امر محال که در سفر خویش همه‌چیز را ویران می‌سازد؛ چنان‌که در «کالیگولا»ی کامو مشهود است. یا می‌تواند موجودی غرق در جزئیات حقیر، امور بی‌معنا و خاستگاه‌های غریزی باشد؛ چنان‌که در شاهکار مارکز «پاپیز پدرسالار»، به تصویر کشیده شده است. کار بزرگ ادبیات همواره

این دو فیلم‌ساز درباره فیلم گفته‌اند که «دستم را در باغ می‌کارم» از همان پرسش‌هایی سرچشمه می‌گیرد که فیلم‌های کوتاه قبلی آنها را شکل داده‌اند؛ اینکه هویت، خانواده و تعلق چگونه شکل می‌گیرند، چگونه به چالش کشیده می‌شوند و چگونه می‌توانند دوباره ساخته شوند.

دو فیلم، یک مسئله

شاید جالب‌ترین وجه حضور هم‌زمان بابک کریمی و هُدا طاهری در ونیز همین باشد که هر دو فیلم به شکل‌های متفاوتی با مسئله تعلق سرورکار دارند. در «بالکانیکا»، یک پدر و پسر افغان، خانه و سرزمین خود را ترک می‌کنند و در مسیر بالکان به‌دنبال آینده‌ای تازه می‌روند. در «دستم را در باغ می‌کارم»، یک زن ایرانی و یک مرد صرب، تلاش می‌کنند در جایی که میان گذشته‌های متفاوت، ملیت‌های متفاوت و تعریف‌های متفاوت از خانواده قرار گرفته‌اند، معنای تازه‌ای از زندگی مشترک بسازند. یکی درباره ترک خانه است و دیگری درباره ساختن خانه‌ای تازه. یکی مهاجری را نشان می‌دهد که در جست‌وجوی مکانی برای ادامه زندگی است و دیگری زوجی را دنبال می‌کند که می‌خواهند خانواده‌ای را براساس قواعد خودشان تعریف کنند. در این میان حضور دو سینماگر ایرانی نیز معنادار است. کریمی که سابقه کار و زندگی را در اروپا داشت، از نسلی از بازیگران ایرانی می‌آید که بخش مهمی از اعتبار بین‌المللی خود را در سال‌های اخیر از همکاری با سینمای مؤلف ایران به‌دست آورده‌اند و حالا در تولیدات اروپایی نیز حضور دارند. طاهری اما نماینده نسلی دیگر است؛ نسلی که بخشی از تجربه زیسته‌اش در مهاجرت شکل گرفته و همین تجربه را مستقیماً به موضوع سینما تبدیل می‌کند.

نقطه تلاقی دو مسیر

هر دو فیلم در بخش رقابتی روزهای مؤلف به نمایش درمی‌آیند؛ بخشی مستقل که در کنار جشنواره ونیز برگزار می‌شود و تمرکز آن بر کشف صداها‌ی تازه و سینمای مؤلف است. «دستم را در باغ می‌کارم» در ۳ سپتامبر نخستین نمایش جهانی خود را تجربه خواهد کرد و «بالکانیکا» نیز در همین بخش برای نخستین‌بار در جهان نمایش داده می‌شود. در نتیجه، حضور اسمال سینماگران ایرانی در ونیز را می‌توان فراتر از حضور دو بازیگر یا فیلم‌ساز در یک جشنواره دید. بابک کریمی و هُدا طاهری، هر کدام از دو نقطه متفاوت، بخشی از تصویر سینمای

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

آزمون عرضه

فروشنندگان چگونه جدال بازار سهام را بردند؟

نسربین خدادادی
گروه اقتصاد

ب‌ورس تهران دیروز صحنه جدال جدی خریداران و فروشندگان بود. جدالی که در دقایق ابتدایی به سود فروشندگان پیش رفت اما هرچه از زمان معاملات گذشت، ورق برگشت. شاخص کل که در شروع بازار حدود ۴۳ هزار واحد عقب نشسته بود، نهنها تمام این افت را جبران کرد بلکه در پایان نزدیک به ۳۰ هزار واحد بالاتر از روز گذشته ایستاد. گردش بیش از ۴۱ هزار میلیارد تومان نقدینگی در معاملات سهام و ثبت برتری محسوس تعداد نمادهای مثبت بر منفی نیز نشان داد که تقاضا توانسته، بخش بزرگی از عرضه‌های سنگین ابتدای روز را جذب کند. با این حال خروج پول حقیقی و برتری سرانه فروش بر خرید نشان می‌دهد که هنوز نمی‌توان از تثبیت کامل شرایط صعودی سخن گفت.

معاملات بورس تهران دیروز دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ با فشار فروش آغاز شد. در همان دقایق ابتدایی، عرضه‌ها به اندازه‌ای افزایش یافت که شاخص کل حدود ۴۳ هزار واحد از ارتفاع خود را از دست داد و تا محدوده ۶ میلیون و ۲۷ هزار واحد عقب نشست. این افت در ابتدای بازار این نگرانی را ایجاد کرد که روند صعودی روزهای گذشته با موج جدی عرضه روبه‌رو شده باشد. با این حال شرایط به‌تدریج تغییر کرد. افزایش تقاضا باعث جذب بخش قابل‌توجهی از عرضه‌ها شد و شاخص کل مسیر رفته را بازگشت. در پایان معاملات، شاخص کل با رشد ۲۹ هزار و ۸۶۴ واحدی معادل ۰.۴۹ درصد، در ارتفاع ۶ میلیون و ۹۹ هزار و ۸۸۳ واحد قرار گرفت. به این ترتیب فاصله میان کف روزانه شاخص و رقم پایانی آن به بیش از ۷۲ هزار واحد رسید؛ اتفاقی که نشان‌دهنده شدت نوسان و تغییر محسوس موازنه عرضه و تقاضا در طول معاملات دیروز بود. شاخص هم‌وزن نیز عملکرد بهتری نسبت به شاخص کل ثبت کرد. این نامگر با افزایش ۹ هزار و ۷۹۸ واحدی معادل ۰.۵۷ درصد به سطح یک میلیون و ۷۴۰ هزار و ۷۴ واحد رسید. رشد بیشتر شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد جریان تقاضا تنها در سهام بزرگ و شاخص‌ساز متمرکز نبود و بخش گسترده‌تری از بازار را دربر گرفت. وضعیت نمادها در پایان معاملات نیز تصویر نسبتاً مثبتی از بازار ارائه کرد. در پایان روز ۴۹۹ نماد با افزایش قیمت و ۳۳۴ نماد با کاهش قیمت معاملات خود را به پایان رساندند. همچنین ۲۷۱ نماد دارای صف خرید بودند، درحالی که برای ۱۲۴ نماد صف فروش تشکیل شد. ارزش سفارش‌های خرید به ۸ هزار و ۱۰ میلیارد تومان رسید و در مقابل، ارزش سفارش‌های فروش ۲ هزار و ۱۱۱ میلیارد تومان بود. این ارقام نشان می‌دهد با وجود فشار فروش قابل‌توجه در ابتدای معاملات در پایان بازار همچنان کفه تقاضا سنگین‌تر بود. البته کاهش فاصله خرید و فروش نسبت به ساعات ابتدایی معاملات می‌تواند، نشانه‌ای از تداوم احتیاط میان معامله‌گران باشد. مهم‌ترین ویژگی معاملات دیروز را شاید بتوان در ارزش بالای دادوستدها جست‌وجو کرد. ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۴۱ هزار و ۳۱۷ میلیارد تومان رسید و حجم معاملات نیز ۹۷.۵ میلیارد سهم ثبت شد.

عبور ارزش معاملات از مرز ۴۱ همت از این جهت اهمیت دارد که بازار دیروز با حجم قابل‌توجهی از عرضه روبه‌رو بود. در چنین شرایطی، افزایش ارزش معاملات نشان می‌دهد، بخش بزرگی از سهام عرضه‌شده مشتری داشته و بازار توانسته، فشار فروش را بدون باقی ماندن شاخص‌ها در محدوده منفی جذب کند. در واقع اگر معاملات دیروز با ارزش پایین همراه می‌شد، بازگشت شاخص از افت ۴۳ هزار واحدی دشوارتر بود. حجم بالای دادوستدها، زمینه جذب عرضه‌ها و بازگشت شاخص کل به محدوده مثبت را فراهم کرد. با وجود سبزپوشی شاخص‌ها، جریان پول حقیقی همچنان یک علامت احتیاطی برای بازار محسوب می‌شود. در پایان معاملات ۱۹۸ میلیارد تومان پول حقیقی از سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی خارج شد. سرانه خرید حقیقی‌ها ۹۳.۳ میلیون تومان و سرانه فروش آنها ۱۰۶.۱ میلیون تومان ثبت شد. نسبت قدرت خرید حقیقی نیز به ۱.۱۴– رسید که از برتری نسبی فروشندگان حقیقی حکایت دارد. در صندوق‌های درآمد ثابت نیز ۹۶۵ میلیارد تومان خروج پول ثبت شد. بنابراین معاملات دیروز دو تصویر متفاوت داشت. از یک‌سو، شاخص‌ها مثبت شدند، تعداد نمادهای سبز بیشتر بود، صف‌های خرید بر صف‌های فروش برتری داشتند و ارزش معاملات به سطح قابل‌توجهی رسید. از سوی دیگر خروج پول حقیقی نشان داد، بخشی از سرمایه‌گذاران همچنان نسبت به ادامه مسیر بازار محتاط هستند. به همین دلیل مهم‌ترین نکته معاملات دیروز نه رشد ۳۰ هزار واحدی شاخص کل بلکه توان بازار برای جذب عرضه‌های سنگین بود. تداوم این وضعیت در روزهای آینده و همراه شدن آن با ورود پول حقیقی می‌تواند، مشخص کند که بازگشت دیروز صرفاً واکنشی کوتاه‌مدت به افت ابتدای معاملات بوده یا بورس در حال تثبیت یک روند صعودی تازه است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

نسل روی موج

شوک‌های اقتصادی با متولدان دهه ۶۰ چه می‌کند؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

متولدان دهه ۱۳۶۰ را می‌توان یکی از متفاوت‌ترین نسل‌های تاریخ معاصر ایران دانست. نسلی که تقریباً در هر مرحله از زندگی، پیش از آن‌که با انتخاب‌های فردی خود مواجه‌شود با پیامدهای اندازه جمعیت‌اش روبه‌رو شده است. وقتی کودک بود، مدرسه کم آمد، وقتی به دانشگاه رسید، صندلی دانشگاه به مسئله تبدیل شد، وقتی وارد بازار کار شد، شغل کافی وجود نداشت، وقتی به سن ازدواج رسید، مسکن گران شد و تا داریی و پس‌انداز جمع کرد، تورم‌های سنگین و جهش‌های ارزی از راه رسیدند. اکنون بخش بزرگی از این نسل در میانه دهه چهارم و پنجم زندگی قرار دارند و با پرسش تاز‌های مواجه‌اند. اینکه نسلی که بخش مهمی از عمر خود را در صف آموزش، اشتغال، مسکن و امنیت اقتصادی گذرانده، در برابر شوک‌های تازه اقتصاد ایران چه سرنوشتی خواهد داشت؟

طرح مسئله

اقتصاددانان معمولاً اثر بحران‌های اقتصادی را با شاخص‌هایی مانند کاهش تولید، افزایش تورم، افت سرمایه‌گذاری و افزایش بیکاری اندازه می‌گیرند اما بحران‌هایی که اعداد اقتصاد کلان را بالا و پایین می‌کنند، زندگی نسل‌ها را نیز شکل می‌دهند. زمان وقوع یک شوک اقتصادی اهمیت زیادی دارد. رکودی که در ۲۰ سالگی اتفاق می‌افتد ممکن است، ورود فرد به بازار کار را چند سال عقب بیندازد. توری می‌کند که در ۳۰ سالگی رخ می‌دهد، می‌تواند امکان خرید مسکن و تشکیل خانواده از این بزن ببرد و شوکی که در ۴۰ یا ۵۰ سالگی از راه می‌رسد ممکن است، پس‌اندازهایی که فرد برای بازنشستگی کنار گذاشته را بی‌ارزش کند. از این منظر متولدان دهه ۱۳۶۰ موقعیتی خاص دارند. آنها محصول جهش جمعیتی سال‌های نخست پس از انقلاب هستند. نسلی بزرگ که ورودش به هر مرحله از زندگی، فشار تازه‌ای بر ظرفیت‌های محدود اقتصاد و نظام رفاهی وارد کرد. در ادبیات جمعیت‌شناسی از چنین پدیده‌ای گاه به‌عنوان «برآمدگی جمعیتی» یاد می‌شود. جمعیتی بزرگ که مانند موج از مراحل مختلف زندگی عبور می‌کند و هر جا می‌رسد، تقاضا برای یک کالا یا خدمت را به‌شدت افزایش می‌دهد. مشکل دهه هشتی‌ها اما فقط بزرگ بودن نسل‌شان نیست. مسئله این است که حرکت این موج جمعیتی با چند دهه بی‌ثباتی اقتصاد کلان، تورم مزمن، رکود، جهش ارزی و کاهش سرمایه‌گذاری همزمان شده است. در نتیجه، یک شوک جمعیتی با مجموعه‌ای از شوک‌های اقتصادی تلافی کرده است.

داستان دهه شخصی‌ها

داستان از سال‌هایی آغاز شد که سیاست‌های جمعیتی، فضای اجتماعی و شرایط خاص سال‌های پس از انقلاب باعث افزایش سریع مولید شد. نتیجه، تولد نسلی بود که بسیار بزرگ‌تر از نسل‌های بعد از خود بود. آثار این اتفاق خیلی زود ظاهر شد. نخستین موج به مدارس رسید. کلاس‌های شلوغ، مدارس دوسه سقیفه و کمبود فضای آموزشی از نشانه‌های ورود این جمعیت بزرگ به سن تحصیل بود. نظام آموزشی ناچار شد، ظرفیت خود را با سرعت افزایش دهد. مسئله اصلی آن روزهای سیاستگذار آموزشی این بود که با این همه دانش‌آموز چه کنیم؟

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

بانک مرکزی مستقل

چرا سیاستمداران به‌دنبال کنترل سیاست پولی هستند؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

رابطه سیاستمداران و بانک‌های مرکزی همیشه رابطه‌ای آرام و بدون تنش نیست. سیاستمداران معمولاً نرخ بهره پایین‌تر، اعتبار ارزان‌تر و رونق بیشتر اقتصاد را ترجیح می‌دهند؛ به‌ویژه زمانی که انتخابات نزدیک است یا اقتصاد با رکود دست‌وپنجه نرم می‌کند. اما بانک مرکزی ممکن است درست در همین زمان برای مهار تورم ناچار به افزایش نرخ بهره و محدود کردن تقاضا باشد. همین تعارض، استقلال بانک مرکزی را به یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصاد سیاسی تبدیل کرده است.

مستند «رئیس‌جمهور در برابر فدرال‌رزرو» که در سال ۲۰۲۶ از مجموعه فرانت‌لاین شبکه PBS منتشر شده این تعارض قدیمی را

چند سال بعد همان پرسش در مقابل سیاستگذاران دانشگاه‌ها قرار گرفت. رقابت برای ورود به دانشگاه شدید شد و کنکور برای میلیون‌ها خانواده به یکی از مهم‌ترین رویدادهای زندگی فرزندان‌شان تبدیل شد. ظرفیت دانشگاه‌های دولتی، پاسخگوی تقاضا نبود و توسعه دانشگاه آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی و دیگر مراکز آموزش‌عالی تا حد زیادی پاسخی به همین موج تقاضا بود. اما گسترش آموزش‌عالی مسئله را حل نکرد و فقط آن را چند سال به تعویق انداخت. جوانانی که به‌جای ورود مستقیم به بازار کار چند سال در دانشگاه ماندند، سرانجام با مدرک تحصیلی وارد بازاری شدند که ظرفیت جذب این تعداد نیروی تحصیل‌کرده را نداشت. موج جمعیتی این بار به دیوار بازار کار برخورد کرد.

خلاصه اینکه متولدان بخت‌برگشته دهه ۶۰ تقریباً هر‌جا رفتند، تقاضا را با خود بردند. ابتدا پوشک، شیرخشک و خدمات بهداشتی؛ بعد مهدکودک و مدرسه. سپس کتاب کمک‌آموزشی، کلاس کنکور و دانشگاه. بعد شغل، ازدواج، مسکن و کالاهای بادوام. این وضعیت یک تناقض مهم ایجاد کرد. از یک‌سو، جمعیت بزرگ می‌توانست، فرصت اقتصادی باشد. میلیون‌ها جوان می‌توانستند نیروی کار، مصرف‌کننده، کارآفرین و پس‌اندازکننده باشند و چیزی شبیه پنجره جمعیتی ایجاد کنند. بسیاری از کشورها از چنین دوره‌ای برای افزایش تولید و رشد اقتصادی استفاده کرده‌اند. اما استفاده از پنجره جمعیتی نیازمند سرمایه‌گذاری، رشد پایدار، محیط مناسب کسب‌وکار و ایجاد شغل است. اگر اقتصادی نتواند برای نسل جوان شغل مولد ایجاد کند، مزیت جمعیتی می‌تواند به فشار اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. اقتصاد ایران درست در سال‌هایی که دهه هشتی‌ها باید وارد مرحله تثبیت اقتصادی زندگی خود می‌شدند با دوره‌های متعدد بی‌ثباتی مواجه شد. تحریم‌ها تشدید شد، سرمایه‌گذاری کاهش یافت، رشد اقتصادی پرنوسان شد، تورم‌های بالا تکرار شد و قیمت دارایی‌ها از درآمد خانوار فاصله گرفت. بنابراین نسل بزرگی که قرار بود موتور تولید باشد، در بسیاری از سال‌ها مجبور شد، انرژی خود را صرف سازگاری با بی‌ثباتی کند.

بازارهایی که به هم ریخت

شاید روشن‌ترین نمونه، بازار مسکن باشد. دهه هشتی‌ها زمانی به سن ازدواج و خرید خانه رسیدند که شهرنشینی افزایش یافته بود و تقاضای بزرگی وارد بازار مسکن می‌شد. در همان حال تورم مزمن و بی‌ثباتی اقتصادی، مسکن را از کالای مصرفی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حفظ ارزش دارایی تبدیل کرد. نتیجه آن بود که قیمت مسکن بسیار سریع‌تر از توان مالی بخش بزرگی از جوانان افزایش یافت. بسیاری ازدواج را به تعویق انداختند، مدت بیشتری در خانه والدین ماندند یا ناچار شدند به اجاره‌نشینی طولانی‌مدت تن دهند. بازار کار نیز وضعیت مشابهی داشت. افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان الزاماً با افزایش فرصت‌های شغلی متناسب نبود. بخشی از نسل دهه ۶۰ سال‌های ابتدایی فعالیت اقتصادی خود را با بیکاری، اشتغال موقت یا مشاغل آغ‌ساز کرد که ارتباط اندکی با تحصیلات‌شان داشت. در بازار ازدواج نیز پیامدها آشکار شد. افزایش هزینه مسکن، نااطمینانی نسبت به آینده و دشواری دستیابی به درآمد پایدار، تصمیم به ازدواج و فرزندآوری را تحت‌تأثیر قرار داد. نسلی که خود محصول سیاست افزایش جمعیت بود به نسلی تبدیل شد که بخشی از آن ازدواج را به تأخیر انداخت یا تعداد فرزندان کمتری انتخاب کرد. حتی بازارهای کوچک‌تر نیز از حرکت این موج بی‌تأثیر نماندند. زمانی بازار آموزش و کنکور با آنها

بزرگ شد، زمانی بازار مراسم ازدواج، لوازم خانگی و مسکن و اکنون بازار خدمات درمانی، بیمه، سرمایه‌گذاری و محصولات مرتبط با میانسالی، آرام‌آرام تحت‌تأثیر آنها قرار می‌گیرد. موج هنوز تمام نشده و فقط مقصد آن تغییر کرده است.

اگر نگرانی اصلی یک دهه هشتی در ۲۰ سالگی پیدا کردن دانشگاه و در ۳۰ سالگی یافتن شغل و خانه بود، نگرانی او در ۴۰ سالگی متفاوت است. اکنون مسئله پیش از هر چیز «امنیت اقتصادی» است. بسیاری در مرحله‌ای از زندگی قرار دارند که مسئولیت‌های مالی‌شان به اوج رسیده است. ممکن است همزمان هزینه فرزند، اجاره یا قسط مسکن، مراقبت از والدین سالمند و هزینه‌های روزمره خانوار را بر دوش داشته باشند. در چنین وضعیتی، تورم به‌معنای کوچک شدن حاشیه امن زندگی است. شوک ارزی، ارزش درآمد را کاهش می‌دهد. تورم پس‌انداز نقدی را می‌خورد. افزایش قیمت مسکن امکان جابه‌جایی یا خانه‌دار شدن را دشوارتر می‌کند. رکود امنیت شغلی را کاهش می‌دهد و بحران صندوق‌های بازنشستگی نگرانی نسبت به آینده را افزایش می‌دهد. مشکل مهم‌تر این است که فرصت جبران نیز به‌تدریج محدودتر می‌شود. یک جوان ۲۵ ساله که دارایی خود را در یک بحران از دست می‌دهد، چند دهه برای بازسازی آن فرصت دارد اما هرچه فرد به میانسالی نزدیک‌تر می‌شود، هزینه شوک افزایش می‌یابد. از دست رفتن چند سال پس‌انداز در ۴۵ سالگی با همان اتفاق در ۲۵ سالگی یکسان نیست. به همین دلیل شوک‌های اقتصادی برای دهه هشتی‌ها اکنون معنای متفاوتی پیدا کرده است و بخشی از آنها ممکن است اساساً به امنیت اقتصادی مورد انتظار دوران میانسالی نرسند.

آخرش چه می‌شود؟

داستان دهه هشتی‌ها هنوز تمام نشده است. این نسل اکنون به‌تدریج از مرحله جوانی عبور می‌کند و در دو دهه آینده موج جمعیتی آن به نظام سلامت، بیمه و بازنشستگی خواهد رسید. همان پرسشی که روزگاری درباره مدرسه مطرح بود و بعد درباره دانشگاه و شغل تکرار شد ممکن است این بار شکل دیگری پیدا کند. اینکه نظام بازنشستگی و درمان چگونه قرار است، پاسخگوی این جمعیت باشد؟ این مسئله زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم، نسل‌های بعدی کوچک‌ترند. کاهش نرخ باروری به این معناست که در آینده تعداد افرادی که وارد بازار کار می‌شوند نسبت به جمعیتی که به سن بازنشستگی می‌رسد، کاهش پیدا می‌کند. در اقتصادی که صندوق‌های بازنشستگی همین امروز نیز با مشکلات مالی مواجهند، ورود موج بزرگ دهه هشتی‌ها به سن بازنشستگی می‌تواند یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی دهه‌های آینده باشد. اما سرنوشت این نسل از پیش نوشته نشده است. آنچه اهمیت دارد، کیفیت سیاستگذاری اقتصادی در سال‌های پیش‌روست. رشد پایدار، کنترل تورم، افزایش سرمایه‌گذاری، اصلاح نظام بازنشستگی و ایجاد امکان پس‌انداز بلندمدت می‌تواند، بخشی از فشار را کاهش دهد. در مقابل ادامه تورم بالا و رشد پایین می‌تواند، نسلی که چند بار هزینه بی‌ثباتی را پرداخته در آستانه سالمندی با کمبود دارایی و درآمد روبه‌رو کند. دهه هشتی‌ها شاید بیش از هر نسل دیگری در ایران معاصر معنای «رقابت برای منابع محدود» را تجربه کرده باشند. برای نیمکت مدرسه رقابت کردند، برای صندلی دانشگاه جنگیدند، پشت در بازار کار ماندند، برای خرید خانه با تورم مسابقه دادند و اکنون برای حفظ ارزش پس‌انداز خود تلاش می‌کنند. طنز تلخ ماجرا این است که این نسل در تمام عمر متهم به زیاده‌بودن است. زمانی مدرسه برایش کم بود، بعد دانشگاه، سپس شغل و مسکن. اما اکنون که به میانسالی رسیده، کشور با مسئله‌ای معکوس روبه‌رو شده که روی زندگی بازنشستگی‌اش اثر زیادی می‌گذارد، اینکه جمعیت جوان در حال کاهش است.

مسئله دهه هشتی‌ها، روایتی فشرده از چند دهه سیاستگذاری جمعیتی و اقتصادی ایران است. نسلی که با یک انفجار جمعیتی متولد شد، می‌توانست یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های اقتصاد ایران باشد. اما بخش مهمی از دوران طلایی فعالیت اقتصادی‌اش در تورم، تحریم، رکود و نااطمینانی سپری شد. اکنون پرسش مهم این است که وقتی این موج به ساحل بازنشستگی و سالمندی برسد، اقتصاد ایران چه چیزی برایش کنار گذاشته است؟

میان تصمیم‌های کوتاه‌مدت سیاسی و اهداف بلندمدتی مانند ثبات قیمت‌ها فاصله ایجاد کند. اما مستند پرسش دیگری را نیز نادیده نمی‌گیرد: استقلال تا کجا؟ بانک مرکزی نهادی بسیار قدرتمند است که تصمیم‌هایش بر وام مسکن، سرمایه‌گذاری، اشتغال، بازار سهام و ارزش دارایی میلیون‌ها نفر اثر می‌گذارد. اگر چنین نهادی از فشار سیاستمداران مستقل باشد، در برابر چه کسی پاسخگوست؟ منتقدان همچنین عملکرد فدرال‌رزرو در دوره تورم پس از همه‌گیری کرونا را شهادی می‌دانند که استقلال الزاماً به معنای مصونیت از خطا نیست. از ایسن منظر، مستند «رئیس‌جمهور در برابر فدرال‌رزرو» صرفاً داستان اختلاف شخصی ترامپ و پاول نیست. فیلم یک مسئله کلاسیک اقتصاد سیاسی را پیش می‌کشد: چه کسی باید کنترل پول را در دست داشته باشد؟ سیاستمدارانی که از مردم رأی گرفته‌اند یا بانکداران مرکزی‌ای که قرار است، مستقل از چرخه‌های سیاسی تصمیم بگیرند؟ تجربه تاریخی بسیاری از کشورها نشان داده که واگذاری سیاست پولی به ملاحظات کوتاه‌مدت سیاسی می‌تواند، هزینه‌های سنگینی داشته باشد. با این حال استقلال نیز بدون پاسخگویی نهادی کامل نیست. چالش اصلی یافتن تعادلی میان استقلال، تخصص و پاسخگویی است: تعادلی که هر بار سیاستمداری خواهان کاهش نرخ بهره می‌شود، دوباره به آزمون گذاشته می‌شود.

فرزانه ترکان، متخصص پزشکی فیزیکی و توان بخشی
در گفت‌وگو با «سازندگی» مطرح کرد:

فرار بیمه‌ها از پرداخت هزینه درمان



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

در شرایطی که گرانی دارو، کمبود برخی اقلام دارویی و افزایش هزینه‌های درمانی به‌یک چالش‌های اصلی نظام سلامت تبدیل شده، فرزانه ترکان، متخصص پزشکی فیزیکی و توان بخشی معتقد است، نبود حمایت کافی از سوی دولت و ضعف عملکرد سازمان‌های بیمه‌گر باعث شده، بخش بیشتری از بار درمان به دوش مردم منتقل شود؛ موضوعی که به گفته او می‌تواند سلامت جامعه را با تهدید جدی مواجه کند.

سلامت عمومی و دسترسی مردم به خدمات درمانی از جمله وظایف اساسی دولت‌هاست؛ موضوعی که هم در حوزه پیشگیری و هم در بخش درمان باید مورد توجه قرار گیرد. با این حال تشدید فشارهای اقتصادی در سال‌های اخیر و محدودیت‌های بودجه‌ای باعث شده، حمایت از حوزه سلامت با چالش‌های جدی مواجه شود. فرزانه ترکان، متخصص پزشکی فیزیکی و توان بخشی، در گفت‌وگو با «سازندگی» با اشاره به شرایط کنونی نظام سلامت اظهار کرد: حمایت از حفظ سلامت مردم و درمان جزو اولویت‌های اولیه است اما با وجود تلاش‌های وزارت بهداشت و برنامه‌هایی که برای ارتقای سلامت اجرا شده، مشکلات اقتصادی و نبود منابع کافی باعث شده این حوزه آن‌طور که باید در اولویت

قضای

تراستی‌ها را رها نمی‌کنیم

رئیس قوه قضائیه: ۷/۵ میلیارد یورو از تعهدات ارزی، تعیین تکلیف شد

گروه اجتماعی: رئیس قوه قضائیه از تعیین تکلیف بیش از ۷/۵ میلیارد یورو تعهد ارزی در نتیجه اقدامات کمیته ویژه مبارزه با فساد اقتصادی در حوزه ارز خبر داد؛ رقمی که به گفته او در مقایسه با تلاش‌های انجام شده برای بازگشت منابع ارزی کشور، قابل‌توجه است. محسنی‌اذهی در عین حال تأکید کرد که پیگیری پرونده تراستی‌ها و رفع تعهدات ارزی باید مستمر باشد و تا تعیین تکلیف نهایی این پرونده‌ها ادامه پیدا کند. به گزارش سازندگی به نقل از مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌المسلمین غلامحسین محسنی‌اذهی در نشست شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به اقدامات انجام شده در حوزه مقابله با فساد اقتصادی، گفت: در نتیجه اقدامات کمیته ویژه مبارزه با فساد اقتصادی در حوزه ارز تاکنون بالغ بر ۷/۵ میلیارد یورو، رفع تعهدات ارزی صورت گرفته است. او با بیان اینکه

این رقم میزان قابل‌توجهی محسوب می‌شود اظهار کرد: برای وصول ۶ میلیارد دلار از منابع کشور در یک کشور دیگر، تلاش‌های زیادی انجام می‌شود؛ درحالی‌که در یک مورد از موضوع رفع تعهدات ارزی بیش از ۷ میلیارد یورو تعهد ارزی تعیین تکلیف شده است.

**تراستی‌ها زیر ذره‌بین؛
از ارز بدون واردات تا تعهدات معوق**

موضوع تراستی‌ها یکی از محورهای اصلی سخنان رئیس قوه قضائیه بود؛ پرونده‌ای که

به گفته او، بخشی از تعهدات ارزی بازنگشته به کشور را شامل می‌شود. محسنی‌اذهی با اشاره به روند ورود قوه قضائیه به این موضوع گفت: وقتی کاری روی زمین می‌ماند، مرجع قضایی مربوطه باید از دستگاه متولی مطالبه‌گری کند و آن دستگاه را وادار کند که به مسئولیت قانونی خود عمل کند. اگر آن مجموعه به هر دلیلی وظایفش را انجام ندهد، مرجع قضایی مطابق قانون وارد عمل خواهد شد. رئیس دستگاه قضا افزود: طی سال‌های گذشته برخی تکالیف در کشور بر زمین مانده بود و زمانی که قوه قضائیه به این موضوعات ورود کرد، سایر بخش‌ها نیز برای انجام وظایف خود فعال شدند. یکی از مصادیق این مسئله، موضوع تراستی‌ها و رفع تعهدات ارزی است. او توضیح داد: در این پرونده‌ها، بخش‌هایی ارز دریافت کرده بودند اما کالا وارد کشور نکرده بودند؛ همچنین برخی صادرکنندگان ارز حاصل از صادرات را در اختیار داشتند اما نسبت به رفع تعهدات ارزی اقدام نکرده بودند.



ارز به مواد اولیه دارویی و حوزه درمان وجود ندارد، قابل فهم است اما این شرایط نباید باعث شود که هزینه‌ها مستقیماً به مردم منتقل شود. او تأکید کرد: سال‌هاست این موضوع را مطرح می‌کنیم که بار هزینه‌های درمان باید توسط شرکت‌های بیمه‌گذار و سازمان‌های بیمه‌گر تأمین شود نه اینکه افزایش هزینه خدمات پزشکی، جراحی، بستری و درمانی از جیب مردم پرداخت شود.

این متخصص پزشکی فیزیکی و توان بخشی با انتقاد از عملکرد بیمه‌های پایه گفت: سازمان‌های بیمه‌گر سال‌هاست حق بیمه را از مردم دریافت کرده‌اند و باید این منابع را به شکل درست، مدیریت و سرمایه‌گذاری می‌کردند تا بازده لازم برای حمایت از درمان ایجاد شود؛ اما چنین اتفاقی رخ نداده است.

بیمه‌های پایه در آستانه بحران

ترکان با اشاره به وضعیت سازمان‌های بیمه‌گر اظهار کرد: امروز با بیمه‌های پایه‌ای مواجه هستیم که بسیاری از آنها با ورشکسته‌اند یا در آستانه ورشکستگی قرار دارند زیرا با نگاه اقتصادی درست

اذهی: با شایعه‌سازی‌ها میدان را خالی نمی‌کنیم

رئیس قوه قضائیه همچنین به واکنش‌ها پس از برخوردهای قانونی با متخلفان اقتصادی اشاره کرد و گفت: زمانی که برخورد قانونی انجام می‌شود، افرادی که منافع‌شان به خطر افتاده، اقدام به جنجال‌آفرینی، اتهام‌زنی و حاشیه‌سازی می‌کنند. او افزود: وقتی میلیارد‌ها دلار در اختیار افراد معدودی قرار می‌گیرد و از آنها خواسته می‌شود به تعهدات قانونی خود عمل کنند، طبیعی است که بخشی از واکنش‌ها در قالب شایعه‌سازی و دروغ‌راکنی علیه مسئولان ظاهر شود. محسنی‌اذهی تأکید کرد: این فضاسازی‌ها باعث نمی‌شود، دستگاه قضایی میدان را خالی کند و پیگیری‌ها تا استیفای کامل حقوق مردم و بیت‌المال ادامه خواهد داشت.

تراستی‌ها چه بودند و چرا خبرساز شدند؟

تراستی‌ها در شرایط تحریمی و محدود شدن دسترسی ایران به شبکه بانکی بین‌المللی شکل گرفتند؛ افرادی با شرکت‌هایی که با استفاده از حساب‌های بانکی و شبکه ارتباطی خود در کشورهای دیگر، انتقال منابع ارزی را انجام می‌دادند. این سازوکار که ابتدا برای دور زدن محدودیت‌های مالی ایجاد شده بود به دلیل حجم بالای منابع در گردش و ابهام درباره نحوه نظارت و تضمین بازگشت ارز بعدها به یکی از پرونده‌های مهم اقتصادی کشور تبدیل شد.

اختلاف‌ها درباره اصلاح بنزین؛ توافق بر ضرورت اصلاح اختلاف بر روش اجرا

رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع اصلاح وضعیت حامل‌های انرژی، به‌ویژه بنزین، پرداخت و گفت: درباره اینکه وضعیت تولید، قیمت و مصرف انرژی نیازمند اصلاح است میان متخصصان و مسئولان اتفاق نظر وجود دارد. او در عین حال افزود: اختلاف‌نظرها درباره زمان و شیوه اجرای اصلاحات است؛ برخی اصلاح قیمت را ضروری می‌دانند، برخی بر مدیریت مصرف تأکید دارند و گروهی نیز راهکارهای ترکیبی را مطرح می‌کنند. محسنی‌اذهی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد که قوه قضائیه، خود را موظف به همکاری با دولت در موضوعاتی مانند معیشت مردم، کنترل بازار، مقابله با فساد و رفع آسیب‌های اجتماعی می‌داند. بحث اصلاح وضعیت بنزین طی سال‌های گذشته همواره یکی از موضوعات چالش‌برانگیز اقتصادی بوده است. این روزها و در شرایط محاصره نفتی و وارداتی، مسئولان بر ضرورت مدیریت مصرف و اصلاح ناترازی موجود تأکید دارند، اختلاف‌نظرها بیشتر درباره شیوه اجراست؛ از افزایش قیمت گرفته تا اصلاح سهمیه‌ها و استفاده از سیاست‌های غیرقیمتی. در همین راستا سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس اعلام کرده، افزایش قیمت بنزین فعلاً قطعی نیست و دولت در حال بررسی راهکارهای مختلف برای کنترل مصرف است.

مدیریت نشده‌اند. او با اشاره به سازمان تأمین اجتماعی گفت: این سازمان دارای مجموعه‌های اقتصادی متعددی است که بسیاری از آنها نه تنها بازده مناسبی نداشته‌اند بلکه زیان‌ده شده و به بار اضافی بر دوش سازمان تبدیل شده‌اند. به گفته او، برخی از این شرکت‌ها با مشکلات مدیریتی، ضعف عملکرد اقتصادی و شکل‌گیری رانت مواجه بوده‌اند و توانسته‌اند، منابع لازم برای پشتیبانی از مأموریت اصلی سازمان را فراهم کنند. ترکان ادامه داد: امروز جمعیت بزرگی از مردم تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی یا بیمه سلامت هستند اما در عمل خدمات کافی و مؤثری از بیمه‌های خود دریافت نمی‌کنند.

کاهش پوشش بیمه‌ای داروها؛ تصمیمی کوتاه‌مدت با هزینه بلندمدت

این متخصص پزشکی فیزیکی و توان بخشی با انتقاد از خروج برخی داروها از پوشش بیمه‌ای گفت: داروهایی وجود داشت که مصرف درمانی کمتری داشتند و تحت پوشش بیمه نبودند اما اکنون حتی برخی داروهای معمول مانند داروهای ضدتالهاب، مسکن و آنتی‌بیوتیک‌ها نیز هنگام ثبت نسخه از پوشش بیمه خارج شده‌اند که به نظر نمی‌رسد، تصمیم منطقی باشد. او با اشاره به داروهای پیشگیرانه افزود: برای مثال در بیماران مبتلا به پوکی استخوان، مصرف داروهای حمایتی می‌تواند از تحلیل استخوان جلوگیری کند؛ چراکه پوکی استخوان در نهایت می‌تواند به شکستگی، جراحی‌های پرهزینه و افزایش هزینه‌های درمانی منجر شود.

ترکان گفت: حتی این نگاه اقتصادی نیز در برخی سازمان‌های بیمه‌گر وجود ندارد که پیشگیری اولیه می‌تواند از هزینه‌های سنگین آینده جلوگیری کند. او با انتقاد از تصمیم‌های کوتاه‌مدت در حوزه دارو اظهار کرد: هر زمان نظام درمان و دارویی را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم برخی داروها بدون کار کارشناسی کافی از فهرست داروهای تحت‌پوشش خارج می‌شوند. این نگاه صرفاً اقتصادی به‌تدریج سبب درمان مردم را کوچک‌تر می‌کند و می‌تواند، سلامت جامعه را با آسیب‌های جدی مواجه کند.

سلامت

پخت کله‌پاچه در کیسه پلاستیکی

گزارش میدانی از استفاده برخی طباطبی‌ها
از کیسه‌های پلاستیکی در دیگ‌های پخت

کله‌پاچه از غذاهای سنتی و پرطرفدار ایرانی است اما مشاهدات میدانی سازندگی از برخی طباطبی‌ها از روشی در فرآیند پخت حکایت دارد که می‌تواند محل سوال جدی از نظر بهداشتی باشد؛ قرار دادن پاچه‌ها داخل کیسه‌های پلاستیکی و پختن آنها برای ساعت‌ها در دیگ‌های حاوی آب جوش. برخی طباطبان استفاده از این روش را راهی برای جلوگیری از وارفتن پاچه‌ها، حفظ شکل ظاهری و آسان‌تر شدن جداسازی و سرو عنوان می‌کنند. با این حال قرار گرفتن مستقیم کیسه پلاستیکی در معرض حرارت و تماس طولانی‌مدت آن با ماده غذایی، ضرورت بررسی جنس و استاندارد پلاستیک مورد استفاده را مطرح می‌کند. نگرانی اصلی احتمال انتقال برخی ترکیبات شیمیایی از پلاستیک به مواد غذایی است؛ موضوعی که به نوع پلاستیک، دما، مدت تماس و ماهیت غذا، به‌ویژه مواد غذایی چرب بستگی دارد. بنابراین نمی‌توان صرفاً با استناد به ضخامت یا ظاهر یک کیسه آن را برای پخت‌وپز ایمن دانست. البته درباره میزان انتقال مواد شیمیایی از کیسه‌های مورد استفاده در طباطبی‌ها به کله‌پاچه نمی‌توان بدون آزمایش نمونه و مشخص بودن ترکیب پلاستیک، اظهارنظر قطعی کرد. همین مسئله ضرورت ورود کارشناسان بهداشت و انجام بررسی آزمایشگاهی را بیشتر می‌کند.

نکته قابل‌توجه دیگر زمان پخت کله‌پاچه است. پخش مهمی از آماده‌سازی این غذا در ساعات شب و بامداد انجام می‌شود؛ بنابراین بازرسی‌های معمول در ساعات روز ممکن است تمام مراحل پخت را پوشش ندهد. اگر استفاده از کیسه پلاستیکی در فرآیند پخت در برخی واحدها رواج داشته باشد، بازرسی سرزده در ساعات واقعی فعالیت، می‌تواند تصویر دقیق‌تری از وضعیت موجود ارائه دهد. درحالی‌که برای تفکیک پاچه‌ها هنگام پخت، گزینه‌هایی مانند سبدها و توری‌های استیل مناسب مواد غذایی با تجهیزات مجزای پخت وجود دارد، استفاده از پلاستیک در دیگ جوشان نمی‌تواند صرفاً با توجیه سهولت کار نادیده گرفته شود. اکنون انتظار می‌رود وزارت بهداشت، واحدهای بهداشت محیط و اتحادیه طباطبان با بررسی میدانی و سرزده این موضوع درباره مجاز یا غیرمجاز بودن این شیوه و استاندارد پلاستیک‌های مورد استفاده، موضعی شفاف اعلام کنند. سلامت مصرف‌کننده نباید قربانی سهولت و سرعت در فرآیند آماده‌سازی غذا شود.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

مدیر شرکت نفت منطقه گلستان:

همه ظرفیت‌ها برای سوخت‌رسانی مطلوب به زائران بسیج شده است

سیدمحمد حسینی، مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گلستان، در گفت‌وگو با صدا و سیما می‌گوید که ظرفیت‌های کامل این منطقه برای سوخت‌رسانی مطلوب به زائران و عزاداران رهبر شهید انقلاب که مسیر استان گلستان را برای سفر به مشهد مقدس انتخاب می‌کنند، خبر داد. حسینی با اشاره به اتخاذ تمهیدات لازم در حوزه سوخت‌رسانی بر استفاده از کارت هوشمند سوخت شخصی، صرفه‌جویی در مصرف سوخت و آمادگی کامل تمامی جایگاه‌های عرضه فرآورده‌های نفتی و سی‌ان‌جی در سطح استان تأکید کرد. وی همچنین از آمادگی کامل مرکز صدور کارت آنی سوخت برای ارائه خدمات به متقاضیان خبر داد و افزود: تمامی زیرساخت‌های لازم برای خدمت‌رسانی مطلوب به مسافران و زائران فراهم شده است. مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گلستان در پایان اعلام کرد: تأمین گاز مایع مورد نیاز مواکب استان گلستان مستقر در مشهد مقدس نیز توسط این منطقه انجام شده تا خدمات‌رسانی به زائران و عزاداران بدون وقفه ادامه یابد.

موکب شهدای صنعت نفت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گلستان:

جلوهای از خدمت عاشقانه به زائران و عزاداران امام شهید

همزمان با موج حضور عاشقان ولایت در مسیرهای منتهی به آیین‌های بزرگداشت امام شهید انقلاب، مواکب شهدای صنعت نفت با همت کارکنان شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گلستان در نواحی مینودشت و کردکوی برپا شد. به گزارش روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه گلستان، این مواکب با هدف تکریم زائران و عزاداران، ارائه خدمات رفاهی و پذیرایی، فضایی آکنده از معنویت، همدلی و فرهنگ ایثار را برای رهروان ولایت فراهم کرده است. خادمان خدمت‌رسانی بی‌وقفه، ضمن تأمین پایدار سوخت در این مواکب نیز با افتخار از زائران و عزاداران امام شهید پذیرایی می‌کنند تا بار دیگر ثابت کنند، خدمت به مردم افتخار ماندگار خانواده بزرگ صنعت نفت است. برپایی موکب شهدای صنعت نفت، نمادی از پیوند فرهنگ ایثار، خدمت صادقانه و ارادت کارکنان شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گلستان به آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، امامین انقلاب، شهدای گرانقدر و تجدید بیعت با رهبر معظم انقلاب است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۰۷۰۳۸۰۱۰۳۰۹۰۳۰۶۰۱۴۰۵۶۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی مجید کشاورز امیری به شماره شناسنامه ۲۰۴ فرزند اسکندر در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۱۲۱/۱/۲۱ متر مربع از ۴۴ اصلی واقع در بخش ۸ موجب پرونده کلاسه ۱۶۶۷-۰۷۰۰۹۰۴۱۱۴۴۰۹۰۷۰۰ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیشود.

شناسه آگهی: ۲۲۴۶۰۹۸۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۳

موسی حسین زاده
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بوئین زهرا

آگهی تحدید حدود

آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت املاک یک قسمت از بخش ۲ شهرستان بجنورد به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک تحدید حدود شماره های زیر:

بخش ۲ بجنورد

۱۲۳ اصلی موسوم به میرزا احسنلو

شش‌دانگ پلاک ۵۰۱ فرعی یک قطعه باغ

مالکیت: محمد علی پور فرزند فتح علی به ش ۰۶۸۰۵۰۶۶۵۹

در روز شنبه یازدهم مهر ماه یکهاز و چهارصد و پنج (۱۴۰۵،۰۷،۱۱)ساعت ۸ صبح در محل شروع و بعمل خواهد آمد

لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتقایی و مجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هریک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتقایی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتقایی که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحد قانون تعیین تکلیف پرونده های ثبتی، معترضین می بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مراجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند.

شناسه آگهی- ۲۲۶۰۷۰۸

تاریخ انتشار شنبه ۱۴۰۵،۰۶،۰۳

علیرضا حاج محمدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو بجنورد



سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان می‌توانند برای دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی به سامانه ستاد به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه نمایند. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ درج آگهی نوبت اول و انتشار فراخوان در سامانه، مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرایند ارزیابی کیفی و ارسال دعوت‌نامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران واجد شرایط ارسال خواهد شد.

تذکره ۱:

کلیه ضمانت نامه‌های صادره از صندوق پژوهش و فناوری صنعت نفت قابل پذیرش و کلیه ضمانت‌نامه‌های صادره از بانک پاسارگاد غیرقابل پذیرش می‌باشند.

تذکره ۲:

در کلیه مراحل برگزاری مناقصه، اسناد و مدارک بارگذاری شده بر روی سامانه ستاد از طرف متقاضیان/مناقصه گران شرکت کننده در مناقصه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بررسی و ارزیابی هرگونه نامه و مستندی خارج از چارچوب سامانه ستاد انجام نخواهد گرفت و هیچ گونه اعتراضی از این بابت مسموع نیست.

تذکره ۳:

در این مناقصه پذیرش گروه مشارکت (کنسرسیوم) مدنظر نیست، بنابراین متقاضیان با لحاظ شرایط مندرج در آگهی و اسناد ارزیابی کیفی و بصورت انفرادی مجاز به شرکت در مناقصه می‌باشند. بدیهی است انتشار این آگهی صرفا به منظور شناسایی و ارزیابی متقاضیان طبق قانون برگزاری مناقصات بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی برای متقاضیان در مقابل این شرکت ایجاد نمی‌کند. ضمنا هزینه درج آگهی بعهدہ برنده مناقصه است. متقاضیان در صورت داشتن هرگونه سوال می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۵۹-۳۳۱۲۷۰۰۶۱-۳۲۱۲۷۰۸۸ و ۰۶۱-۳۲۱۲۵۲۷۶ تماس حاصل نمایند.

آدرس وب سایت: AOGC.ir

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

اداره ثبت و اسناد حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۱۰۱۲۳۵۹-۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۰۱۰۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم سیده زهرا خاتمی به شماره ملی ۱۶۹۹۳۵۲۷۴ فرزند میر کمال در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۶/۰۲ متر مربع به شماره ۸۲۵۷ فرعی مجزی از ۳۲ باقیمانده از اصلی ۵۶ واقع در بخش ۴ گیلان حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت نام مالک رسمی اولیه رضا حسینی خرطومی احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۳۴۹۳ شناسه آگهی: ۲۲۴۵۹۷۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۳
رییس ثبت اسناد و املاک ناحیه یک رشت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۱۲۰۰۷۴۵۵-۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰ هیات اول کلاسه ۱۴۰۵-۳۸۶- موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خاتم سمیرا اسماعیلی به شناسنامه شماره ۱۴۵۰۴ کدملی ۰۹۰۳۲۴۲۶۲-۹۰ صادره فرزند حسن در شش‌دانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۰۶۰۷ متر مربع پلاک ثبتی ۱۴۸۵ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی عفت جاوید فرزند محمد حسن جاوید محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. مالف ۱۷۰۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸
احمد جهانگیر-رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شالی

اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شهرستان بجنورد

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه، قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر پرونده شماره ۰۱۸۱۲-۰۵۰۰۷۰۵۰۴۱۱۴۴۰۷۰۰ رای شماره ۰۲۲۶۴-۰۵۰۰۷۰۵۰۳۰۵۶۰۱۴۰۵ مورخه ۱۴۰۵/۰۲/۱۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان:آقای نوروز علی ظریف بین فرزند علی محمد به شماره ملی ۰۶۸۰۸۲۹۵۶۳ در شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۸۱۴/۰۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵- اصلی واقع در (کهنه کند) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی آقای علی محمد باغچقی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی --۲۲۶۰۷۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵،۰۶،۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵،۰۶،۱۸

علیرضا حاج محمدی – رئیس ثبت اسناد و املاک